

قیم ایران

۶۲ میل ۱۸۷
(دوره جدید)
پنجشنبه ۲ بهمن ۱۳۶۵
۲۲ ژانویه ۱۹۸۷

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

حسینی مشکان

والاحضرت اقدس

حاج احمد آقا ولیعهد!

آیت الله خمینی هدیه جدیدی برای ملت ایران در نظر گرفته است: ولایتعهدی آقا زاده، حاج احمد آقا! از چند هفته پیش، فرامینی که قبلاً "بهامضای آیت الله میرسیدیا از طریق دفتر مخصوص وی ابلاغ میشد مستقیماً" توسط احمد خمینی صادر می شود. این مقدمه می است بر انتقال مستدیر به فرزند و اعلام رسمی جانشینی احمد آقا. سعدی می گوید یکی از ملوک خراسان محمود سبکتکین را بخواب دید که جمله وجودش ریخته و خاک شده بود مگر چشمان او که همچنان در چشمخانه میگشت و نگاه می کرد. حکما از آن وایل خواب فروماندند. درویشی بجای آورد و گفت هنوز نگران است که ملکش با دگران است! بقیه در صفحه ۱۲

رابعه و بکتاش

در صفحه ۶

م. کیلان زاد

عواقب دادوستد پایایی

به دیگر کشورهای جهان اعم از مالک بلوک شرق و کشورهای سرمایه داری غرب و عقد قراردادهای بازرگانی و دقت در ما هیئت این دادوستدها، روشن می شود که قسمت اعظم این مصوبات را معاملات پایایی و بقولی دیگر تها تری تشکیل می دهد. تا کنون رژیم با کشورهای چینی، ژاپن - سوئد - شوروی - انگلستان، مجارستان و چند کشور فریقائی و چین و غیره که به مذاکره نشسته و ملاقاتها پشان بهامضای قرارداد انجام میدهند، بیشتر اینها بر محور تجارت پایایی بوده و در این رابطه تقاضای خرید و بدون رد و بدل شدن ارز انجام گرفته و جمهوری اسلامی در ازای دریا فت تولیدات صنعتی و دیگر لوازمات خود را از دیگر کشورها بصورت نشت بسنده کرده است.

بقیه در صفحه ۱۰

هادی یزاد

چراغ راه فردا

غدا روحیله گرتا آن زمان تلاش کرده بودا ز تنگنا های بحق مردم - که هرگز از قلمرو آزادی و استقلال و عدالت، یعنی خیر ما به مشروطیت تعطیل شده - فراتر نمی رفت، چندان بلافاد که دلها را تسخیر کند. از این روی، در همه "تزویر و حیل و صحنه های دلفریب، صدای بختیار که صدای حق و عدالت بود، بگوش نمی رسید. قلب و گواهی می داد که سقوط ایران در پیش است، بخت پیروزی اندک است. ولی بخود می گفت این بیانه ای بر برای

بقیه در صفحه ۲

که کمربند دویه میدان وارد شود. به ایران معدود آن روز خود در نخستین روزهای یاد آور شده بود که به میدان می روم، ولی به شما بگویم، اقبال موفقیت چندان نیست. پس شما را دریا وری مختار می گذارم. یاران گذشته اش آنها که با مدق بزرگ، ادعای پیوند عشق و اعتقاد داشتند، از او بریدند، به یک دوزخی روی آوردند، ملت معصوم ایران که دهها سال از هرگونه تجربه سیاسی محروم مانده بود، در آن وانفاسا به دروغ زن بی نظیر تاریخ، یعنی روح الله خمینی تسلیم شده و پیر مرد

بمباران تهران و نبردهای حومه بصره

اعلام گردید که در این بمباران، سه تن از هم میهنان ما کشته شده اند، اما از اعلام نام مناطق بمباران شده، خودداری ورزید. بر اساس گزارش های تلفنی، در حمله هوایی روز شنبه ۱۷ ژانویه عراق به تهران، نواحی اطراف دانشگاه ملی (ولنجک و سعادت آباد)، کوه های سعادت آباد (در بند)، جمال آباد (یا لاتراکاخ نیوران) بمباران شد. بقیه در صفحه ۳

بر پایه بیانیه های نظامی جمهوری اسلامی، دوشنبه نوزدهم ژانویه، نیروهای رژیم تهران، به حومه بصره رسیدند. پیش از آن، روزیکشنبه گذشته، ها شعی رفسنجانی، سخنگوی شورای عالی دفاع گفته بود که نیروهای جمهوری اسلامی ده کیلومتر به سوی بصره پیشروی کرده اند و حومه دومین شهر بزرگ عراق، دریا تصد جزایری می باشد، "ام الطویل" و "بواریان" قرار دارد. درگیرداری که نبردهای خونین و پیر کشتار در منطقه کربلا پنج در جنوب شرقی بصره جریان داشت، شنبه گذشته، عراق، با بتخت ایران را هدف بمباران قرار داد. سخنگوی بغداد گفت: نیروی هوایی عراق، اقامتگاه آیت الله خمینی، و دفاتر کار همکاران نزدیک وی را بمباران کرده است. رادیوی رژیم، پس از وقوع این حمله

بهمن خجسته

کربلاهای در هم شکسته

است، رادیو تهران همچنان سرگرم رجزخوانی در این باره بود که "لشکریان اسلام" چگونه "قوای کفر" را تا رومبار کرده اند. با اینهمه، تبلیغات رژیم تهران در باره پیروزیهای خیالی، دم خروسی دارد: دوشنبه و وجود دارد که شکست حمله کربلای اراغیان می سازد، نخست اینکه فرماندهان سپاه پاسداران نامه ای به آیت الله خمینی نوشتند و، یک هفته پس از آغاز عملیات، به او قول دادند که بقیه در صفحه ۳

ماجرای پنهانی ارسال

اسلحه فرانسوی به ایران

مجله اسپرس چاپ فرانسه در شماره این هفته خود فاش کرد که مقامات بلند پایه دولت فرانسه از قاچاق جنگ افزار به جمهوری اسلامی توسط شرکت فرانسوی "لوشیر" کاملاً مطلع بوده اند. اما با وجود هشدارهای مکرر سازمانهای اطلاعاتی فرانسه، از آن جلوگیری نکردند. ماجرای شرکت لوشیر در فروردیه سال گذشته بوسیله یک نشریه محلی فرانسوی از پیرده بیرون افتاد. در آن زمان روزنامه "بندر" شربورگ فاش کرد که صدها هزار گلوله توپ و خمپاره ساخت شرکت لوشیر که ظاهراً مقصد آنها برزیل، تایلند، یوگسلاوی، پرو و اکوادور ذکر شده بود، از پاریس در فرانسه در بندر عباس به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است.

بقیه در صفحه ۱۲

ترکیه:

توطئه حجاب اسلامی

درست همزمان با دیدار معاون وزیر خارجه ترکیه از تهران، مدرسین حوزه علمیه قم نامه ای برای روزنامه های تهران فرستادند و در آن به دولت ترکیه حمله کردند که چرا از ورود دختران با حجاب به دانشگاهها و مراکز آموزشی جلوگیری می کند، چرا تلاش محافل مذهبی ترکیه را برای اشاعه تعالیم اسلام، ارتجاعی می خواند. در این نامه، انگار که می خواهند به آتاتورک اهاننت کرده باشند، او را بی دین و ملحد و خدا شناس خوانند.

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱

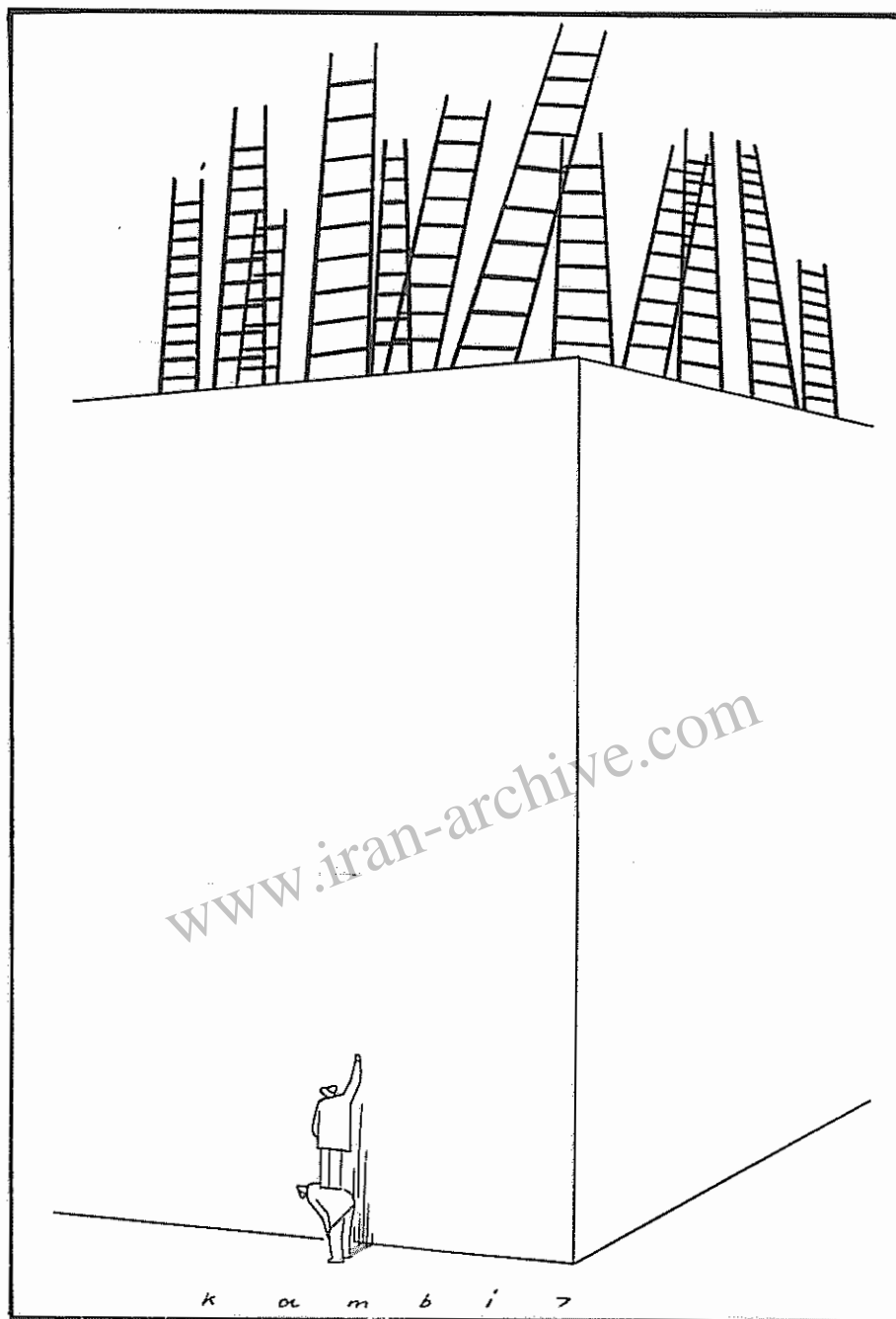
انسانهای پایبند به اصول نیست، تاشانه از زیر بار سنگین مسئولیت خالی کنند. می دانست که دیر به سر آغش آمده اند و اگر در آن روزهای آتشبار، رژیم بر سر آن نبوده که همچنان از بازار مستعمل و زنگ خورده خود عاجز بخواهد و از آغز به با و روی می آورد، توان او که ریشه در صداقت و ایمان بسته، و باورش در حقانیت ملت و عشقش به استقلال ایران خلل ناپذیر مانده بود، برای پیروزی او یعنی پیروزی ملت، کافی بود.

ذکر مصیبت نیست که این روزها دیگر نیاید از مصیبت پیش از انداز گفت و شنید که هنگام چاره گیری است. از گفته ها و شنیده ها، آن هم در این ایام خاص که بی تردیدی از مراحل پر دردناک ریخ ایران ماست، تنها بدین دلیل باید یاد کرد که عبرتی بسا زد، عبرتی که چراغ راه شود در این شب و تاب نجات، به تکرار خطا نیامد.

از زبان بختیار ریگوشیم که زبان خود او و در وصف آن روزهای تب دا رگویی تر است.

در کتاب خود، یکرنگی، در نخستین صفحه آنچه از ماجرای دعوت شاه می گوید، عبرت آموز است. شاه می پرسد: "شماره از کی ندیده ام؟" و جواب می شنود: "از ۲۵ سال پیش اعلیحضرت، قاعدتا این باید در خاطر تان باشد." شاه می گوید: "در این فاصله هیچ پیر نشده اید." جواب می شنود: "من به تحقیق پیر شده ام، اما شاید آثاری که گذر زمان بر مخالفین رژیم می گذارد، به فرسودگیهای ناشی از قدرت متفاوت باشد." بنای سخن بیداست، مبارزه در راه آزادی خاصه وقتی که به عشق و صدق تمام میخسته است، با بیبری نمی خواند، اومی خواهد بود که ایمان و اعتقاد در حرا صیقل می زند و طراوت را در متن زندگی و در عمق زندگی باز می سازد و فرسودگی را عقب می زند. می نویسد در آن غروب و ایل دیمه ۵۷، ایران به طرف هرج و مرج می رفت من جلوی پادشاه ایستاده بودم، به این منظور که بگویم ایران در سراشیب را از لغزش به عمق هرج و مرج بازدارم، سراشیبی که پرده خسته اشتباهات مکرر بود، دولت ها سه ماه به سه ماه جایگزین هم می شدند، شریف ما می، از هاری و دیگران. اما آیا دولتی هم بنا به دولت بختیار تشکیل خواهد شد؟ با اید و افاع سخت ناسمان با شدوا اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی آگاه به میزان ناسامانی، تا چنین فکرو را زده ای از خاطرش خطور کند، شاه صندلی را به او تعارف می کند و رودر روی هم می نشینند و سکوت لفظی حکمفرما می شود. پادشاه سخن را می آغازد: "این پدیده، خمینی چه میخاید است؟" - اعلیحضرت و اکنش در مقابل دولت های بیایی است که ما از حضور اعلیحضرت تقاضا کرده بودیم از آنها بفرمائید. "شاه که ظاهرا" به اعدا دت ندارد می پرسد: "چون اگر آنها

چراغ راه فردا



www.iran-archive.com

شاید هیچ نیست، در مردم کوچک و بزرگ امیدبخش و کار ساز است و افسوس که این فرصت به هزار رنیرنگ کوتاه و کوتاه تر می شود. ارتشی که می بایست بسا او همداستان شود - نه در بیکره دلور و ملی گرایش که در راه خود خود را می باز دود به دشمن تسلیم می شود و بدینگونه تجربه ای که خمیرما به بیداری می توانا تدبیر متوقف می ماندا ما در همان و انفسا و مخصوصا " در آن لحظه ها که دسته بندی های ضد ملی ردیف می شوند و ستون ارتش به توطئه مشت از فرماندهان بزدل و خودباخته در هم می شکنند، اندیشه دیگران و این است که تا آخرین لحظه، سنگ را از کف ندهد و بر قول و قرارهای ۳۰ ساله خود بیاید، و عهد خود را با آزادی و استقلال علیرغم فضای ناسا عدتا زه کند، پیش خود می گوید حتی شکست در چنین عوالمی خود سراما به عبرت هاست. صدای حق، ولو از یک دهان، با یدمانند، اگر امروز در پشت دیوار ضخیم دروغ و تزویر می شکنند، در فضای تاریخ و زندگی زنده خواهد ماند و همین چراغ راه فردا است، بختیار در آن شرایط کور به همه تعهدات آرمان های خود، تا آنجا که می تواند عمل می کند. سالهای سال گفته است، قضاوت را فقط در راستای عدالت تمکین می کند و آن روز که بر مسند حکومت می نشیند همه آنها را که در محاکمات غیر ما لح، خواه مجرم و خواه متهم بیگناه، محکوم شده اند از زندان و از بند می رها کند، و چه بسیار از همانها به خصومت، رودر روی سنگسار می گیرند و او این را پیشا پیش می داند. ولی در منطق بختیار، مهم تکا به به اصول است. اتکا به عدالت است و اتکا به حقانیت ملت است. سا زمانا منیت را که از رسالت خود منحرف شده و رودر روی ملت ایستاده است، منحل می کند. چرا؟ یکجا برای آنکه نمی توانا از اصول اعتقادی خود، حتی بنا به مصلحت، بگریزد و جای دیگر برای آنکه می داند که سرچشمه بسیاری از ویران گریها در همان سا زمانا است که روزگاری مردم را قشرده است و آن روزها - چون بیری از هرگونه اعتقاد دویگانا نه از وظیفه است - به خدمت ابلیس سر گذاشته است. هستندا زغرض ورزشی که برا و خرده می گیرند که چرا چنین و چنان کرده غافل که او نه در خط جا طلبی که براه تحقق باورها و ایمان دیرین خود کمر بسته و به میدان آمده است. باری بختیار در آن ثانیه ها که می دید بندها بریده می شود و کار از دست می رود، نه به قول هیولا اعتناء می کند تا خود را نجات دهد و نه از سریمان می گذرد که هم رنگ زمانه شود. چرا؟ زیرا می داند: آن صدائی که از زطنین با زمانه است در فرصتی دیگر صدای نجات، صدای بیداری و ندای پر عزت ملت خواهد شد. او امروز هم اوست که تنها تکیه گاه است. چرا؟ زیرا که در آن و انفسا هم او ای نا مردمان مردم فریب نشود و در عرصه عمل مسلم ساخت که از زمانا ندگاری ملت بیداری اوست. و این مغز عبرت است، مغز درسی است که در میراث دولت کوتاه عمر او نهفته است.

نها ده اند. بختیار در آن روز در آن فضای هولناک و آتشبار، کوله بار طاقت سوز و وظیفه را به دوش می گیرد، بی آنکه امید زیادی در دل بخته با شکه آنرا به سلامت به منزل آخربکشاند. باریان مدعی ملی گرائی او را ترک کرده و به اید من دیوا و بخته اند و ملتی که همواره عزیزش داشته است، چنانکه هنوز هم می دارد، صدای او را از درون قبیل و قال گوش خراش صرافان حیله گر نمی شنود. زمان تنگ است حالی که او به زمان نیاز دارد. بیداست که در همان لحظه های تنهایی، به دور رسالت فکرمی کند: که در یکی نا کام می ماند، و در دیگری کامیاب. او به خود گفته است اگر کمیلت را به هر ترتیب طوالتی کنم، به ظهور حقانیت خود و آگاهی ملت افسون شده، ما به خواهم داد. این حساب نادرست نیست اگر در نخستین روزهای زماناداری اش، فقط ۵ هزار تنی با او همداستان می شوند و به ندایش پاسخ می گویند، در پایان ماه این رقم به ۱۵۰ هزار می رسد و پیداست که استعداد بیداری اگر در رهبران راه کم کرده و باریان نیمه راه، اندک است و

را تحمل نمی کرد. "و بیا مداین سخن نیز سکوئی سنگین و دویا راه است. بختیار را دام می دهد: "اعلیحضرت، من به خزان زندگی رسیده ام، در این تالار حرف های آلوده به دروغ زیاده زده شده است. اعلیحضرت ما یلند که من هم به همان روال ادا مدهم؟ یا به من اجازه می دهند که حقایق را بگویم؟" و این در حقیقت از شرایط پذیرش مسئولیت است که بی آن مقابله با دیوی که نیم بیکره اش از شیشه بیرون آمده است میسر نیست. بدینگونه بختیار تحمل با رگبران را می پذیرد. پذیرشی که معیار تشخیص انسان های روشن بین است. قبول مسئولیت در ایام بهتجاری است که از هر کسی برمی آید، که خود را به طلب و تمنای مولائی بیدند و آقائی کنند. و از این گونه فراوان داشته ایم و امروز هم، در سرزمین آتش گرفته ما فراوان داریم که بندگی غیرتی را به دست هیولا سیرده و ملتی را به آتش کشیده و نا موش را رژیم حکومت قرآن

کربلاهای در هم شکسته

بقیه از صفحه ۱

وظایف محول شده به "سپاه محمد" را در هر شرایطی ادا خواهد نمود. این نشان می‌داد که سپاه پاسداران آن نتیجه‌ای را که از حمله کربلای ۵ انتظار داشت، بدست نیاورده است. وگرنه در نامه به خمینی از "ادامه آنجا موظیفه" سخن نمی‌گفت، بلکه پیروزیهای بدست آمده را با آب و تاب شمارش می‌کرد و ازین گذشته از فرمانده کل قوا نیز پاسخی سراسرتشویق دریافت می‌کرد. ولی نه از شمسار پیروزیها خبری بود و نه از پاسختشویق - آمیز فرمانده کل قوا. نشان سه‌دوم، گشودن جبهه تازه‌ای در سومار بود. این حمله که به کربلای ۶ موسوم شد، برای آن نبود که دو جزه یک حمله بزرگ را بسازد بلکه دیگرها هتک گرداند، بلکه بدین منظور بود که زفشاری که بر نیروهای رژیم در جبهه بصره وجود داشت بکا همد. ولی کربلای ۶ نیز سرنوشتی بهتر از کربلاهای پیشین نداشت. کاسیرو این برتر وزیر دفاع آمریکا از تلفاتی ۴۰ هزار نفری سخن می‌گوید و بسیاری از تلسلف‌شدگان را زیر بار ۱۴ سال برآورد می‌کند. در این میان از سخنان هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۲۶ دیماه بوی هم‌چیزی می‌آمد مگر بوی پیروزی. اما مجموعه تهران در خطبه‌ای از این نماز از جمله گفت: "عبور از منطقه‌ای مانند شلمچه... کاری است که هیچ نظامی ستاد دیده‌ای این ریسک را نمی‌پذیرد، با این حال این کار انجام گرفت. رفسنجانی بدین ترتیب به تلویح اعتراف می‌کنند که ستاد ارتش ایران با دیوانگیهای

از این دست مخالف بوده است. رفسنجانی حرفهای می‌زند که فقط می‌تواند به منزله عذری برای شکست حمله دیوانه‌وار "کربلای ۵" تلقی گردد. می‌گوید: "در هیچ نقطه‌ای از دنیا چنین خط مستحکمی که در پیرامون بصره ایجاد شده، ایجاد نشده است... سرمایه‌گذاری عراق در منطقه عملیاتی کربلای پنج به دلیل اهمیت بصره در منطقه است... عراق با دید بصره مقاومت کند، زیرا تمامی خطوط حیاتی اقتصادی عراق در بصره است". سپس رفسنجانی، برای آن که قافیه را نیاخته‌ی دل‌امامت را نشکسته باشد، می‌گوید: "ما با انبوه نیروهای داوطلب بسیجی همواره قادریم نیروهای مسورد نیا زراته مین کنیم. زیرا اینجا جانی است که با ید سرنوشت جنگ تعیین شود". مقایسه‌ای که رفسنجانی بین عملیات فاع و عملیات بصره می‌کند، جای هیچ سوء تفاهمی باقی نمی‌گذارد که عملیات بصره سرانجام یک شکست تواء می‌رساند بوده است. می‌گوید: "عراق در فضا و امکان نداشت که نیروهای زیادی وارد کند، لیکن در بصره نمی‌تواند صبر کند و ناچار است بجنگد". نه رفسنجانی دیگر از حمله نهان نمی‌گوید و سرنوشت سازه‌های می‌گوید و نه فرماندهان سپاه پاسداران. چند هفته پیش، محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران، گفته بود که رژیم تهران اگر این بار حمله را آغاز کند، آن را تا پیروزی نهانی ادامه خواهد داد. این سخن دو هفته پیش از آغاز عملیات کربلای ۴ گفته شد. عجلتاً رفیق دوست سرگرم گردآوری نغری برای "سپاه محمد" است تا رژیم تهران دوباره حمله دیگری را آغاز کند و اجساد هزاران تن دیگر را دوباره در میدانهای جنگ بر جای بگذارد.

در مجلس عوام انگلستان:

پرسشهایی درباره

فروش اسلحه به ایران

بدنبال تماس‌های نهضت مقاومت ملی ایران شاخه لندن، با برخی نمایندگان مجلس عوام بریتانیا درباره فعالیت دفتر معاملات اسلحه متعلق به جمهوری اسلامی در لندن و ارسال تجهیزات نظامی از سوی انگلستان به جمهوری اسلامی، این موضوع در مجلس بریتانیا از سوی نمایندگان به تفصیل مورد بحث قرار گرفت و در مهم‌ترین روزنامه‌های انگلستان مانند گاردین و دیلی تلگراف با زتاب یافت. از جمله سرایان گیلور، نماینده مجلس عوام بریتانیا ضمن تأکید بر سیاست اعلام شده دولت انگلستان در باره خودداری از ارسال اسلحه به طرفین درگیر در جنگ خلیج فارس و نامه دیویدا استیل نماینده دیگر مجلس به نخست‌وزیر انگلستان و پاسخما رگارت تا چربوی، گفت: "دولت وظیفه دارد در باره گزارش‌های مربوط به فروش و حمل اسلحه به ایران شیوه‌ای مریح‌تر و بی‌زحمت‌تر تا کنون داشته است، اتخاذ کند." وی افزود: "گزارش‌ها در باره مذاکرات بین ما موران رسمی جمهوری اسلامی و نمایندگان سازمان فروش بین المللی نظامی که شرکتی است صادر شد متعلق به وزارت دفاع، انتشار یافته است. در هفته‌های اخیر دولت انگلستان تا تأیید کرده است که قصد دارد دفتر معاملات اسلحه در تهران راه‌چنان‌دا برنگاه دارد. هفته گذشته گزارش‌هایی در روزنامه‌ها درباره سفر رئیس‌جمهوری ایران به شرکت "پلسی" در باره تحویل سیستم رادار به ایران انتشار یافته است. در چند روز گذشته گزارش‌های نیز در باره حمل تجهیزات نظامی به ارتش و یونین میلیون لیره زیندر لیور پول مشاهده شده است. کلیه این گزارش‌ها موضوع دولت را در جای سیاست اعلام شده (عدم تحویل سلاح به دو طرف جنگ) مورد سؤال قرار می‌دهد. نماینده مجلس بریتانیا همچنین گفت: "بر عهده مسئولان وزارت دفاع است که در مقابل این مجلس حاضر شوند و با صراحت بیشتر از گذشته دقیقاً "جریان حمل اسلحه به ایران را بازگو کنند. در باره موضوع معاملات و ارسال اسلحه از سوی انگلستان به جمهوری اسلامی، روزنامه دیلی تلگراف نوشت: "با افشای ماجرای ایران گیت درواشنگتن این موضوع که لندن در شش سال اخیر مرکز فعالیت مقامات جمهوری اسلامی به منظور معاملات اسلحه بوده است مورد بحث و توجه قرار گرفته است. دولت انگلستان که از این با است از سوی نمایندگان تحت فشار است،

به این بهانه متعذر می‌شود که دولت انگلیس نمیتواند مانع ارتباطات مقامات ایرانی در لندن به شرط آنکه خلاف قوانین، اقدامی نکنند، بشود.

به نوشته روزنامه دیگر انگلیسی "ایندپندنت" پیش‌بینی می‌شود که در جلسات سال جدید، مجلس نمایندگان دولت انگلستان را تحت فشار قرار دهد و درباره فروش پنجاه موتور تا نکی چیفستن ولوا زم خودروهایی زره پوش اسکورپیون به جمهوری اسلامی پاسخ قانع کننده طلب کند.

آوارگان ایرانی

نهضت مقاومت ملی ایران - شاخه لندن - ضمن مکاتبات و تماس‌های متعدد با مسئولان دفتر پناهندگی، نامه‌ای بعنوان کمیسر عالی سازمان ملل متحد ارسال داشته است که طی آن بخشی از دشواریهای ایرانیان آوار را در ترکیه و پاکستان مطرح و نظر کمیسر عالی پناهندگی را خواستار شده است. دفتر پناهندگی سازمان ملل متحد در انگلستان، چنین پاسخ داده است: ترجمه نامه کمیسر عالی سازمان ملل متحد در ژنو - برای نهضت مقاومت ملی ایران ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶

با اظهار تشکر از وصول نامه مورخ ۲۳ اکتبر شما بعنوان کمیسر عالی سازمان ملل متحد در ژنو که جهت اقدام مقتضی به این دفتر ارائه شده با اطلاع می‌رساند، از تگرافی شما در مورد وضع ایرانیان در ترکیه و پاکستان مستحضر گردیدیم. تشخیص وضعیت پناهندگی توسط سازمان ملل متحد بر اساس مصوبات بین المللی است که بموجب آن پناهنده به کسی اطلاق می‌شود که از بیم از ربحا طرفین، مذهب، ملیت یا عقاید سیاسی از کشور موطن خود خارج شده و نمی‌تواند با تعلیلی بغیر از دلخواه شخصی نمی‌خواهد خود را تحت حمایت کشوری که در آن اقامت دارد قرار دهد.

تفسیر آزادانه‌ای از این اصول از طرف دفاتر این سازمان در پاکستان و ترکیه در مورد پناهندگان ایران و سایر متقاضیان پناهندگی اعمال میگردد. بهرحال ضمن آنکه سازمان ملل متحد از هیچ کوششی در حمایت از هر شخصی که مصمم به پناهندگی باشد فروگذار نمی‌نماید، بکاربردن چنین رویه‌ها از طرف سازمان ملل متحد لزوماً کشورهای دیگر را موظف به اعطای پناهندگی نمی‌کند و پناهندگان را بر این صرف داشتن وضع پناهندگی، به فراداد این امتیاز را نمی‌دهد که بتوانند در هر کشوری که مایل باشند اقامت گزینند.

امید است اطلاعات با لایحه موجود در این دفتر روشن نماید. با احترام
کاترین میرابل
دفتر پناهندگی سازمان ملل متحد در انگلستان

زمین به زمین قرار گرفت. این حمله‌ها، صدها کشته برجای نهاد. برخی از این شهرها چند بار هدف قرار گرفت.

در این میان، هفته‌نامه آلمانی اشپگل، دوشنبه ۱۹ ژانویه، همزمان با اعلام خبر نزدیک شدن نیروهای جمهوری اسلامی به بصره، نوشت: "پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا، زمینه‌ها را برای تسویه سریع در جنگ جمهوری اسلامی و عراق را آماده می‌سازد تا در صورت سقوط بصره، به یاری عراق بشتابد.

گزارش اشپگل حکایت از آن داشت که شش لشکر ۶۰۰ فروند هواپیما را برای انجام واکنشی سریع در برابر حمله احتمالی سقوط بصره، به حال آماده باش در آورده‌اند.

افزون بر این، کشتی هواپیما بر جان اف - کندی و چندین نساوشکن آمریکا بی فرمان حرکت به سوی تنگه هرمز را دریافت داشته‌اند و اسکادران ازسکاری - بمب افکن‌های اف - ۱۶ به پایگاه‌های ترکیه انتقال یافته‌اند.

در پی انتشار این گزارش، مقامهای رسمی آمریکا، صحت آن را تکذیب کردند، اما افزودند در صورتی که بی‌مهرورزی جمهوری اسلامی، متفقان آمریکا را در خلیج فارس تهدید کند، آمریکا طرح‌های ضربتی خود را به پشتیبانی آن‌ها به اجرا خواهد گذاشت.

چراغ راه فردا

بقیه از صفحه ۲

بختی را گرامروز، از چنین قدر و اعتباری برخوردار است تنها به این دلیل قاطع است که در آن روزهای طوفانی تسلیم نمی‌شود و عصمت و ایمان ملی خود را به بی‌نامح دیو صفت نمی‌ریزد و نمی‌فروشد. حالیکه همه‌چیز سازمان آن روزها، از جیب و راست و ملی نما، همای سعادت و توفیق را بر شاهانه خود می‌یافتند، غافل که بی‌مشموم را پذیرا شده‌اند.

و اما در این روزهای سخت، آن کویا شکست خورده است که حقانیت خود را بازمی‌یابد و این بزرگترین آرزوی اوست که جان گرفته است، آرزوی زنده ماندن ایران و فریاد تاریخ که حالا دیگر به گوش هراتی می‌رساند: ایران هرگز نخواهد مرد.



اعتراف تلویزیونی يك نماینده مجلس اسلامی

دستگاه‌های امنیتی رژیم خمینی یکی دیگر از معرکه‌های سخره تبلیغاتی خود را تحت عنوان: "اعترافات تلویزیونی" این بار منحصراً "در تلویزیون محلی - شهرزاهدان به روی صحنه آوردند. در "اعتراف شو" جدید جمهوری اسلامی مولوی نظرمحمد آگاه نماینده ایران شهر در مجلس شورای اسلامی توسط مقام‌های امنیتی رژیم به استحضار واداشته شد. نماینده ایران شهر از سوی رژیم به بیجا داخلاف و نفاق افکنی بین مردم سیستان و بلوچستان متهم شده است. در این برنامه نمایشی، نماینده ایران شهر آنچه را که دستگاهاها می‌نویسند ری شهری به او دیکته کرده بودند با زگو کرد. وی گفت: من به خاطر اشتباهات و خطاهایی که داشتم در سیزدهم آذرماه دستگیر شدم و اعتراف می‌کنم که دستگیری من به حق بوده، پس از چند روز زندان، بر اثر برخوردی خوب مسئولان و تعمق خودم، متوجه شدم که این زندان دانشگاه و سازنده است، لذا به میل خود تصمیم گرفتم بین ما حیدر را انجام دهم. در محافل اجتماعی ایران گفته می‌شود،

بهبود آن تهران

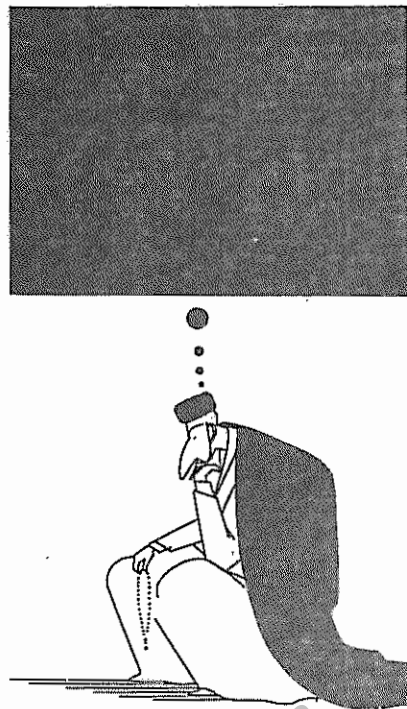
و نبردهای حومه بصره

هواپیمای عراقی، در این حمله، در ارتفاع بسیار پایین پرواز می‌کرد و به گفته کارمندان رادار - تلویزیون جمهوری اسلامی، چند بار به سر فرساز ساختمان رادار - تلویزیون، گاردش ساعت شش با مداخله دوشنبه ۱۹ ژانویه نیز هواپیماهای عراقی در آسمان تهران به پرواز درآمدند و غرش تیرباران‌ها را پدید آورد. پایتخت را در هراس فروبرد، ولی حمله هوایی انجام نشد.

تادوشنبه ۱۹ ژانویه، دهمین روز شروع تعرض کربلای پنج، شهرهای اصفهان، دزفول، تبریز، قم، اسلام، همدان و بروجرد بارها هدف بمب‌ها یا موشک‌های موج سرکوب مذهبی وسیله رژیم اسلامی که شامل اهل سنت نیز هست موجب دستگیری نماینده سنی مذهب ایران شهر شده است.

جمهوری اسلامی قبلاً نماینده کلیعیا ن در مجلس شورای اسلامی را به اتهام روابط نامشروع جنسی با زداشت‌وندانی کرده است. در تهران همچنین گفته شد که نماینده اعتراف‌های تلویزیونی با زهم تکرار خواهد شد.

دین دروغ آلوده



سیاست ما عین دین است " دلیل راه تراز داده، بزرگترین صدمه را به دنیا نیست و سیاست هر دوزده است، او نه تنها سیاست

اگر دروغ را قدرتی برای انفجار، تخریب یا انهدا بود، رژیم تهران امروزه تنها سرزمین عراق، بلکه تمامی کشورهای مسلمان منطقه را به زیر سلطه خود کشیده درمزره‌های اسرائیل سرگرم نبرد با به اصطلاح "دشمن صیہونیست" بود. هر بار که جمهوری اسلامی به تلاش جنگی تازه‌ای دست می‌زند، کارخانه دروغساز او نیز با تمام ظرفیت ممکن مشغول کار می‌گردد.

اگر تا ماریان کارخانه دروغساز را باور کنیم، امروزه تنها عراق همه تا نکها و هواپیماها را که ارتش آن در اختیار داشته‌است ز دست داده‌است، بلکه حتی سیاهی نیز نداشت که شانه‌ها پیش قسرت حمل تفنگ‌های سبک نیز داشته‌باشد. نه تنها زرادخانه عراق یکسره خالی شده‌است، بلکه بسیاری از سلاح‌های انبار شده در کشورهای دیگر نیز در میدان جنگ یا از بین رفته‌بود یا به غنیمت رزمندگان توانمند اسلام‌خیمی درآمده‌است.

اگر کسی حوصله کند و آمار خسارت‌ها را نگاه کند که رژیم تهران مدعی است بر عراق وارد آورده‌است، به ارقامی خواهد رسید که زشتیدن آن‌ها هوش‌آزسر سوادگران اسلحه‌ها می‌پرد. از آسمان این دروغ هر روزها هواپیما به زیر آفکنده می‌شود، در میدان این دروغ هر روزها تانک و خودرو و نفربر منهدم می‌گردد، در رزمگاه این دروغ هر روز هزاران تن بر خاک هلاک می‌افتند. اما این دروغساز سکه‌ای است که روی دیگر هم دارد، و آن، قدرت سازندگی آن است. در کارگاه دروغ رژیم تهران از سلاح‌های سبک و خودرو گرفته تا هواپیما مدرن و تانک‌های پیشرفته به میزانی ساخته می‌شود که این رژیم در واقع اصلاً نیازی به بازارهای خارجی ندارد. علی‌الکبر رفسنجان است که بتازگی هر چه بیشتر نقش میان‌داری را در جنگ را ایفا می‌کند، روزی گفته‌بود که وا حد تحقیقات جنگی سپاه پاسداران به ساختن سلاح‌های موفقی شده‌است که وقتی جنگ تمام‌شده، آن‌ها را روخا هدر کرد و دنیا را انگشت به دهان خواهد ساخت.

حالا اینها چه سلاح‌هایی است که رفسنجان می‌سازد؟ هنوز نمی‌خواهد آن‌ها را رو کند و علنی کردن آن‌ها را به پایان جنگ موکول کرده است، نکته‌ای است که هر چه اندیشیدیم نتوانستیم جوابی برای آن بیابیم. حالا رژیم که در ساختن سلاح‌ها و تکنولوژی تسلیحاتی این همه پیشرفت‌های حیرت‌انگیز کرده، چرا برای تهیه سلاح در هر جادریوزگی می‌کند و جنس یک دلاری را به صد دلاری خرید، نکته‌ای است که شاید بتواند رمز آن را در کمیسیون‌ها و دلالت‌های کلانی که بیول آن به حساب‌های بانکی حضرات در خارج از کشور ریخته می‌شود، پیدا کرد.

آیت‌الله خمینی، که این سخن تقی‌مدرس را که "دین ما عین سیاست است" و

را از دروغ‌نبا لایید، بلکه دین را نیز سر اسیر دروغ آغشت. در رژیم‌های که ویریا کرده‌است، راستگوییان مدا م مورد غضب آن خدا می‌گیرند که او خود را آیت و نما بنده، وی برخاک می‌داند، و دروغگوییان مدا مقام و منزلت بیشتری پیدا می‌کنند.

سخن راستی که در رژیم تهران گفته‌شود، بیشترین زیان را به اسلام و می‌رساند، ولی دروغ هر چه بزرگتر و شادتر گرفته‌شود به تحکیم میانی دین بیشتر کمک می‌کند. تا کنون آستین یک نفر از این سردمداران و کارکنان رژیم را نگرفته‌اند که چرا اینقدر دروغ گفته‌ای، حالا آن که راستگوییان جدا کثرت با لکنت زبان می‌توانند مقصود خود را بیان کنند. این جرم رژیم است که در آن دروغزنان بزرگ چنین بی‌برو در میدان سیاست ناخوت و تازی می‌کنند، حال آنکه راستگوییان با یدمدا مبرجان خود بلرزند؟

در سلسله مراتب رژیم هیچکس حق ندارد در باره دلیل ادا همه جنگ، میزان تلفات آن، وضع واقعی آن و عاقبت آن سخنی بربزبان براند. آزادی بیان از همه سلب شده‌است، مگر از آن کسانی که زبان به ستایش جنگ بی‌هوده می‌کنند و دروغ‌های رژیم را تکرار می‌کنند.

در رسانه‌های غرب اگر فقط یک سخن راست در باره جمهوری اسلامی گفته‌شود رژیم بتواند آن را به سود خود تعبیر کند، آن سخن را مدا م به عنوان گواهی معتبر در سرنای تبلیغاتی خود می‌دمند، ولی اگر از همان منبع هزارها سخن راست - و این بار به زبان رژیم تهران - برآید، کلامی در باره آن نمی‌گویند یا اگر بگویند در انکار آن است با این تاء کید که از رسانه‌های "استکباری - امپریالیستی - صیہونیستی" ما در شده‌است.

نه تنها ارقام و اعدادی که رژیم در باره جنگ منتشر می‌کند دروغ بسیار مباهت می‌زاست، بلکه در باره هدف جنگ نیز دروغ می‌گوید، بینوا توضیح نمی‌دهد که اگر جنگ برآستی تحمیلی است، چرا این همه آزار به ادا می‌دهد؟ چرا یک بار بصراحت و به نسام نمی‌گوید چه کشوری، چه دولتی یا کدام گروه از کشورهای و دولت‌ها جنگ را به او تحمیل کرده‌اند؟ چرا یک بار با خود نمی‌اندیشد کسی که جنگ را تحمیل کرده، این قدر قدرت و نفوذ دارد که صلح را تحمیل کند؟



چنین دعوتی نیز تیا فته‌است. او یک جانشین اسمی دارد به نام حسینعلی منتظری که ظاهراً "دیگر هیچکس برای پیش تره هم خرد نمی‌کند. او یک جانشین رسمی به نام سید احمد خمینی که خط او را کم کم دارند در همه جا می‌خوانند.

در رژیم تهران تغییرهای بزرگی در پیش است و جایگاهی مهمی در آن به چشم می‌خورد. این جایگاهی قدرت با ید هر چه بی‌هوا و تر و آسان تر صورت گیرد. از اینرو هیا هودر جبهه‌های جنگ با ید هر چه بیشتر گردد.

دستا و بزرگترین در سرکوب ناخرسندیها و مخالفت‌هایی که مدا م کسترش بیشتری می‌کند، همواره این است که شهیدان در جبهه‌ها دارند خون می‌دهند، پس رواست که به احترام این فداکاری، مسست کمبودها را تحمل کنند و نااضی‌ها دست از مخالفت‌خواهی بردارند. ولی با جبهه‌های آرام نمی‌توان از این حیل‌ها بجای آورد. پس در رژیم انتظار دارد، بدست آورد. پس با ید در جبهه‌ها برآستی خونریزی ریخته‌شود.

برای خمینی اصلاً مهم نیست که به هدف‌های سیاسی خود با کدام مدرجه از خونریزی دست می‌یابد. او از گذشته شدن ده نفر به همان اندازه نیک‌خم به ابرو می‌آورد که از گذشته شدن ده هزار نفر.

مهم این است که از بیت‌امام خونریزی در جبهه‌ها ریخته‌شود. هزاران هزار نفر در خون خود بیفتند به ترکه قطره خونریزی از دماغ سید احمد خمینی بچکد.

در این روزهای سرد زمستان اگر سرما به اتاق گرم و آراسته به بالش‌های نرم سید احمد خمینی نفوذ کرد، در دلد ما دران دا غدیده نیز به قلب سرد روح لاله خمینی نفوذ می‌کند.

تقلید خمینی از کیم ایل سونگ

انفجار حتمی را دست کم به تعویق افکند. برای رژیم دیگر تشریدن به نمایندگان مجلس که قفل برده‌ان نهند و با از کلمیم خود را از ترکتندکافی نیست. دیگر کار کافی نیست که چند نما بنده مجلس خود را با زدا شت کند و جماعت تهدید و اعراب را بر سرهای که ممکن است سودا می‌شوند اما ده برای کوبیدن نگاه دارد. دیگر کار کافی نیست که روزنامه‌ها را با ببنند یا آن‌ها را به زیر عیای ولایت فقیه بکشاند. دیگر کار کافی نیست که داد منسه

استبداد دولایت فقیه را مدا م کسترنی بیشتری بخشد و حتی به رئیس جمهوری بفهماند که مقامی بسیار ثین تر از آن دارد که مخاطب مستقیم آیت‌الله پیشوا قرار گیرد. کافی نیست که ولایت فقیه به رئیس جمهوری خود با واسطه احمد خمینی او را مرخوبی را ابلاغ کند. کافی نیست که رئیس جمهوری حق نداشته باشد به سید احمد خمینی در سلسله مراتب سیاسی یا اداری رژیم تهران چه کارها است و در کجا قرار گرفته‌است که در مجلس خیرکسان شرکت می‌کند، در جلسات خصوصی مجلس شورای اسلامی شرکت می‌کند، در شورای عالی دفاع شرکت می‌کند. در جلسات هیات دولت شرکت می‌کند و خلاصه در هر جا که دلش خواست شرکت می‌کند؟

دست کم کیم ایل سونگ رهبر حزب کمونیست کره شمالی بر سر راه رسماً به جانشینی خود بر کزیده به رعایای خود دستور داده‌است که از وی اطاعت کنند، ولی خمینی رعایای خود را حتی در خور

اگر تا کنون کمترین تردیدی وجود داشت، اکنون دیگر کمترین تردیدی در این باره وجود ندارد که رژیم تهران از جنگ بعنوان پرده‌ای برای پوتاندن اختلاف‌های داخلی نیز استفاده می‌کند. تمامه‌دنی نیست که رژیم تهران درست هنگامی بر تلاش‌های جنگی خود افزوده‌است که اختلاف‌های داخلی رژیم را گامی دیگر به پرتگاه سقوط حتمی نزدیک کرده‌است. رسانه‌های همگانی رژیم، از جمله رادیو خمینی، از آژیر نعره‌ها می‌هرچه بلندتر برای پیروزی خیالی می‌کشند تا صدای نا رضایتی عمومی از جنگ هر چه کمتر به گوش برسد. در این میان از ایران - ایران واقعی و نه آن ایرانی که در آینه کج و کوله تبلیغات رژیم می‌تابد - خبر پشت خیر می‌رسد که تبلیغات جنگی رژیم جز تا شیز معکوس بر مردم ندارد. کوس تبلیغاتی حکومت اسلامی در اعلام پیروزی‌ها و کامیابی‌های دروغی - هر چه بلندتر و نواخته می‌شود، به همان اندازه چشم و نفرت راستین همگانی از رژیم و جنگ شدت بیشتری پیدا می‌کند. مردم ایران دیگر خوب می‌دانند که میان ما و کشور همسایه هیچ مسئله‌ای وجود ندارد که نتوان از راه گفت و شنود و مذاکره حل کرد، و هیچ گرهی در روابط ما نیست که برای کشودن آن با ید به شمشیر جنگ متوسل شد. اگر امروز رژیم تهران همچنان جنگ را ادا می‌دهد، از جمله از آژیر نواخته می‌خواهد از فوران بیشتر اختلاف‌های داخلی جلوگیری کند و

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

سایروس ونس:

ابلهانه و اشتباه آمیز

عراق و ایران گیت

به گزارش خبرگزاری فرانسه زواشنگتن طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق ایالات متحده را بخاطر فروش اسلحه به ایران سخت مورد انتقاد قرار داد و عمل این کشور را به مثابه عملی غیر اخلاقی و غیر انسانی خواند. وزیر امور خارجه عراق در مصاحبه‌ای که روز چهارشنبه ۱۴ ژانویه با روزنامه وال استریٹ جورنال انجام داد افزود که عمل آمریکا در مورد فروش موشک‌های ضد هوایی و ضد تانک به تهران یک تصمیم عمدی برای خنثی کردن برتری هوایی و نیروهای زرهی عراق بوده است. به گفته وی نیروهای ایران پس از بسته دست آوردن تجهیزات جدید موفقیت بیشتری در جبهه جنگ بدست آورده اند. طارق عزیز همچنین اظهار داشت که با فروش اسلحه به ایران، این کشور در تصمیم خود برای فتح بصره قاطع تر شده است.

از نظر وزیر امور خارجه عراق، با ما جرای "ایران گیت" اعتبار را در میان مردم نزدیک از میان رفته است. نتیجه این امر چیزی جز تضعیف کشورهای منطقه در برابر گسترش طلبی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدهای تروریسم و جنبش‌های مذهبی افراطی نخواهد بود.

خبرگزاری ریا - ۱۵ ژانویه ۸۷

ناوگان محافظ

نمایندگان چندین شرکت کشتیرانی بین‌المللی روز چهارشنبه ۱۴ ژانویه از دبیرکل سازمان ملل متحد خواستگار بررسی امکانات ایجاد یک نیروی دریایی در خلیج فارس شدند تا از کشتیهای تجاری که در آنجا "مورد حمله ایران و عراق قرار می‌گیرند، حمایت کنند. این نمایندگان عیار ژنرال ژنرال و دبیر کل اتاق بین‌المللی کشتیرانی را در شورای دریای نوردی بین‌المللی و در پی با لیتیک و رئیس انجمن کشتیهای نفتکش مستقل.

پرزو کوکلار ضمن اعلام همدردی با افراد دفاعی، توضیح داد که ایجاد یک نیروی دریایی برای صلح در خلیج فارس تحت رهبری سازمان ملل با اهداف ملل کشورهای عضو برای امنیت و کشورهای با طلب دادن کشتی به این نیرو باشد.

سال ۱۹۸۶ در تاح می دوران جنگ ایران و عراق برای کشتیهای با ری و تجاری از همیشه سیاه تر بوده است. بیش از حدود صد کشتی در این سال مورد حمله قرار گرفته اند. سال ۱۹۸۶ که جنگ خلیج فارس شدت گرفته است نزدیک به ۱۸۰ کشتی مورد حمله قرار گرفته است. نزدیک به صد تن دریا نورد کشته شده اند و خسارات دریایی تا حدود ۶/۵ میلیون تن می رسد.

پس از این ملاقات، دبیرکل اتاق بین‌المللی کشتی داران اظهار داشت که در پی اقدامات خود برای ایجاد چنین نیرویی با دولتتها تماس خواهد گرفت.

در حال حاضر واحدهای دریایی ایالات متحده، اتحاد شوروی، فرانسه و انگلستان در مدخل خلیج فارس مستقر اند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۴ ژانویه

۱۳۶۴ پس از پرواز آتن به وسیله هوا مل حزب الله و بسته به جمهوری اسلامی رسیده شد و پس از توقف در بیروت و اجزا بردوباره به بیروت بازگشت و سرانجام پس از مذاکرات طولانی دیپلماتیک، مسافران هواپیما ۱۶ روز بعد آزاد شدند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۵ ژانویه

ملک حسین:

امریکا

بی اعتبار شده است

روزنامه لوموند در شماره روز سه شنبه ۱۳ ژانویه ۱۹۸۷ خود مصاحبه‌ای با ملک حسین پادشاه اردن منتشر کرده است که ترجمه بخش‌هایی از آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

ملک حسین در پاسخ به خبرنگار لوموند که از او دربار "تحویلی اسلحه از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی پرسیده است، می‌گوید که وی از شنیدن این خبر سخت یکه خورده و متأسف شده است. چرا که آمریکا تنها همواره متحدان عرب خود را نسبت به عدم مذاکره در مسأله جنگ ایران و عراق مطمئن ساخته اند. وی افزود که تصور نمی‌کند آمریکا بخاطر آزادسازی گروگان‌های خود، این عمل دست زده باشد چرا که دادن اسلحه به کشوری که در حال جنگ است و تاکنون به هیچ پیشنهادی برای آغاز مذاکره برای پایان دادن به جنگ واقعی نتوانسته است، بهیچ گزایی است که به هیچ وجه به نفع ایران معادله نمی‌آورد. تنها نتیجه این کار طولانی تر کردن مدت جنگی است که تاکنون خسارات انسانی فراوان و بسیار آورده و سبب بی ثباتی در منطقه شده است.

ملک حسین در مورد اینکه این جنگ تا کی می‌تواند ادامه یابد تا به کی در یک جنگ سرانجام روزی پایان خواهد یافت. جمهوری اسلامی باید به همدمکتنها راه دستیابی به صلح آنست که برپایه عدم دخالت در امور کشورهای دیگر و حفظ مرزها بر اساس ضوابط تاریخی قرار داشته باشد.

ملک حسین در پاسخ به این سؤال که آیا بنظر او رهبران کنونی ایران زیر بار چنین ضوابطی می‌روند یا نه، اظهار داشت: تا وقتی که به آن اسلحه داده می‌شود مسلماً زیر بار نخواهند رفت. ملک حسین در مورد مسأله لبنان اظهار داشت که بنظر او وضع لبنان نیز همچون جنگ ایران و عراق امری نا پذیرفتنی است و در صورت وجود یک قرار داد دوجانبه در مورد خاور نزدیک مسلماً "یا فتن راه حل برای مسأله لبنان آنست که ترخو هد شد. اما بهرحال باید مقدمات لبنان بر سرب میزبشینند و مسأله خود را در آینده مشترکاً حل کنند.

به عقیده ملک حسین اکنون در لبنان "اکتار" خارجی‌ها هستند که به آتش جنگ ادامه می‌دهند. و تا دفا "جنگ ایران و عراق" به لبنان رابطه نزدیک دارد و متأسفانه جهان مسلمان در معرض خطر تقسیم شدن به دو بخش سنی و شیعه قرار دارد. که فاجعه‌ای تلخ‌نماییال خواهد بود. خوشبختانه عراق توانسته است تاکنون در برابر این خطر مقاومت کند.

ملک حسین دربار رهبریان واپس‌گرایان مسلمان که در جهان وجود دارند و به نظر خبرنگار لوموند تنها به شیعیان محدود نمی‌شود، بلکه دامنه آن تا مغرب و حتی فرانسه کشیده شده است. اظهار داشت که امیدوار است مسلمانان واقعی بتوانند تعلیمات اسلامی را در همه جهات منتشر سازند. اما آنچه اکنون مشاهده می‌شود، با خطرات متریکی اسلام متغایر است. وی افزود که مسلمانان جهان عرب در برابر رشد این جریان خواهند ایستاد.

ملک حسین همچنین اظهار داشت که این موضوع بخش مهمی از مذاکرات کنفرانس اسلامی را که روز ۲۶ ژانویه در کویت برگزار می‌شود، شامل خواهد شد. لوموند - ۱۳ ژانویه ۸۷



امریکا

ایران و عراق را فریب می‌دهد

روزنامه نیویورک تایمز، در شماره ۱۲ ژانویه خود به نقل از منابع با اطلاعاتی فاش کرده است که زمانهای اطلاعاتی آمریکا در سالهای گذشته به منظور جلوگیری از پیروزی عراق و جمهوری اسلامی در جنگ، اطلاعات غلط در اختیار هر دو قرا ر می‌دادند.

نیویورک تایمز می‌افزاید: به عنوان مثال اطلاعاتی که آمریکا در مورد تمرکز نیروهای شوروی پشت مرزهای ایران به جمهوری اسلامی دادا عراق آ میز بود و عکسهای ماهواره‌ای راپس از حذف برخی قسمت‌ها و اطلاعات مهم آن، در اختیار عراق قرار می‌داد.

به نوشته نیویورک تایمز، مسئولان وزارت امور خارجه آمریکا، ماه گذشته تا شید کرده بودند که آمریکا گاه گاه اطلاعاتی را در اختیار عراق قرار میداد تا جمهوری اسلامی و عراق هیچیک نتوانند در جنگ پیروز شوند.

نیویورک تایمز می‌افزاید: مسئولان دولت آمریکا همچنین تا به یکدیگر نداشتند که عملیات مخفی آمریکا در عراق و ایران، اغلب با هدف‌های دیپلماتیک وزارت خارجه آمریکا تضا دیدار می‌کرد.

به گفته منابع اطلاعاتی عملیات مخفی آمریکا که به طور همزمان انجام می‌گرفت از این قرا راست: - به جمهوری اسلامی اسلحه فروخته است. - از بارهای از گروگان‌های آپوزیسیون که برای براندازی رژیم خمینی فعالیت می‌کنند حمایت کرده است.

اطلاعات قابل اطمینان در مورد نفوذ ماه موران شوروی در سازمان نهیای کمونیستی ایران، در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده است.

اطلاعات نا درست یا تحریف شده در اختیار عراق و جمهوری اسلامی گذاشته است.

دنبال انتشار مقاله نیویورک تایمز، "لاری اسپیکر" سخنگوی کاخ سفید آمریکا، اعلام کرد که: ایالات متحده "در حال حاضر" اطلاعات غلط در اختیار عراق و جمهوری اسلامی قرار نمی‌دهد، اما حاضر نشد گزارش نیویورک تایمز را مبنی بر این که در گذشته اطلاعات غلط در اختیار دو کشور قرار می‌گرفته است تأیید یا تکذیب کند. لاری اسپیکر سخنگوی کاخ سفید افزود: آمریکا میل است برای جنگ جمهوری اسلامی و عراق راه حلی سریع و مسالمت آمیز پیدا شود.

نیویورک تایمز، از سوی دیگر نوشت: چنین پیدا ست که شوروی، مهم‌ترین تأمین کننده جنگ، افزا ربرای عراق، بیش از پیش مصمم به حمایت از عراق شده است.

هشدار مصر به سوریه

روزنامه الاهرام چاق با هره در شماره ۱۵ ژانویه خود بشدت رژیم سوریه را به علت مخالفت با شرکت مصر در کنفرانس اسلامی، مورد حمله قرار داد و نوشت: مصر بزودی از رژیم حافظ اسد بخاطر حملاتش علیه مصر، حساب خواهد خواست. در سرمقاله الاهرام آمده است که مصر مدارکی در دست دارد که نشان دهنده تما سهیای مخفیانه بین سوریه و اسرائیل و دخالت سوریه در ماجرای فروش اسلحه آمریکا شی به جمهوری اسلامی است.

الاهرام می‌نویسد: مصر که تا بحال در مقابل سوریه بردباری فراوان نشان داده، امکان و قدرت آن را در رد که به اقدامات ابلهانه سوریه پاسخ مناسب دهد. مصر میتواند در کنفرانس سران اسلامی که قرار است روز ۲۶ بهمن در کویت برگزار شود، بارائه مدارکی که در اختیار دارد سوریه را رسوا سازد. به نوشته الاهرام مصر از زمان کنفرانس اسلامی خواسته است در دستور جلسه خود، با خواست از سوریه را به مدنا سبت نقض همبستگی اسلامی و حقوق بشر در سطح عربی، اسلامی و بین‌المللی بگنجانند.

با داری می‌کنیم که رژیم سوریه بشدت با شرکت مصر در کنفرانس اسلامی مخالفت میکند. مصر پس از امضاء قرار داد کمپ دیوید با اسرائیل، از زمان کنفرانس اسلامی اخراج گردید.

نابودی سپاه محمد رسول الله

کوارش های ایران

خمینی در برابر فشار واقعیت ها

از گروه های اطلاعاتی نهضت مقاومت ملی ایران

همه چیز حکایت از آن دارد که تهاجم ناموفق کربلای ۴ که روز چهارشنبه سوم دیماه صورت گرفت در واقع طلیعه همان حمله بزرگی بود که مقامات جمهوری اسلامی آنرا "حمله سرنوشت ساز" نام داده بودند. تهاجم که قرار بود از سه محور و تقریباً "همزمان" آغاز شود و نیک بیکان آن متوجه بصره باشد، در همان محور اول از هم پاشید. تمامی نیروهای بسیجی که از همین محور، حمله ای شبانه خود را از رود کارون بسبب آنسوی دجله و تا جزیره ام الرصاص آغاز کرده بودند، بی آنکه دو محور دیگر مطابق طرح جنگی به آنها پیوسته باشند، در ام الرصاص به دام افتادند و گفته میشود از این نیروی عظیم و بی شمار حتی یک تن زنده بازنگشته است. تعداد این نیروها یک سوم از سپاه یکصد هزار نفری محمد رسول الله برآورد می کنند.

از یک هفته پیش از تهاجم به بیمارستانهای پایتخت آمده باشاداده بودند. بیمارستانها طبق دستور کتبی سپاه پاسداران موظف بودند که از پذیرش بیماران خودداری و زنده و آماده باشند تا بتوانند در صورت لزوم بیشترین ظرفیت تخت بیمارستانی را در اختیار مجروحین جنگی قرار دهند. اگرچه طی دو ماه گذشته دست کم چهار بیمار به بیمارستانها آمده باشاداده شد، اما نشانه های بسیاری حکایت از آن میکرد که تهاجم جدیدی تدارک شده است و آماده باشان با ریسک جزی است. از روزیکشنبه سه روز پیش از آنکه تهاجم آغاز شود، کمتر کسی در مقر سپاه پاسداران تردید داشت که تهاجم این با رحمتی است. در همین روز یک نیروی امداد بهداشتی همراه خیل عظیمی از تکنیسین های پزشکی و دارو و آمبولانس بسوی جبهه جنوب گسیل شد. در حالیکه عراقی ها با هواپیما قلمرو فضا بی ایران را آزادانه در می نوردیدند و در خیابانهای کرمانشا مردم بی دفاع را از قاصد کم به رنگبار مسلمان می بستند و جمهوری اسلامی برغم شتلم خوانیهای خود قادر به جلوگیری از آنها نبود، و در حالیکه کنگران همیاری مردم عراق در تهران گشایش یافته بود در آن تمام مخالفین رژیم صدام گردآمده بودند و خمینی قصد داشت تا در چنین موقعیتی با اصطلاح "شیرین بکار" کمتر کسی در سپاه پاسداران تردید داشت که این تهاجم، عاقبت همان تهاجم موعود "سرنوشت ساز" نیست. اما اکنون که نتیجه حمله یک شکست فاحش بوده است، در سپاه زمزمه در گرفته است که حمله آنها "لو" رفته و دشمن از تهاجم آنها با خبر بوده است. گفته میشود هیچ فرمانده سپاه حاضر نیست مسئولیت شکست را به گردن بگیرد.

نیروی که قرار بود خود را به جزیره ام الرصاص برساند، می با سیست از نقطه های عمیقی در رودخانه کارون

بگذرد و خود را به آنسوی رود برساند. پس از آن قرار بود این نیرو از جبهه نیز بگذرد و در خاک عراق مستقر شود. و نیوی... روی آماده دیگر از یکی از مردابهای خونین شلمچه و دیگری از آبادان به این نیرو پیوستند. نیرویی که از آبادان حمله اش آغاز می شد، در میان قرار داشت و نیک بیکان این تهاجم بزرگ را تشکیل میداد. این تهاجم در چند مرحله و برای مدت چند هفته طراحی شده بود و در ابتدا میبایست جاده ای بصره قطع شود و سپس هدف غایی، یعنی تصرف بصره، مورد توجه تمامی نیروهای مهاجم قرار گیرد. در عین حال برای آنکه از فشار و نیروهای عراقی به میان ایران کشیده شود در طرح بود که حمله ای نیز از بخشهای شمالی صورت گیرد.

نیروی اولیه از طریق قایقها خود را به جزیره ام الرصاص رساند و بیهوده ساعتها در انتظار تهاجم کمکی دو محور دیگر باقیماند. نه از شلمچه و نه از آبادان هیچ محورتا زهی گشوده نشد. اکنون که چند هفته از این تهاجم ناموفق گذشته هنوز هم فرماندهان سطح بالای سپاه قادر نیستند به این سؤال اقرار کرده های پایین جواب دهند که چرا دو محور دیگر ترجیح دادند تهاجم خود را متوقف سازند. زمزمه های که در میان سپاه وجود دارد حکایت از آن دارد که هم ایرانی ها منتظر چنین آمادگی در خطوط دفاعی عراقی ها نبودند و هم قدرت آتش زمینی و هوایی دشمن را دست پایین گرفته بودند. این قدرت آتش چنان شدید بود که نیروهای دو محور دیگر در واقع از حمله پیشمان شدند. مجروحان بمسب شیمیایی که اکنون در بیمارستانهای تهران و در بخش های خاص بستری اند و تعداد عمده ای از آنها نیز در استادیوم بزرگ آریا مهر مستقر هستند از تقاضای کمک فرمانده نیروهای که خود را به جزیره ام الرصاص رسانده بودند سخن نمیگویند. قایق های که این نیروها را به آن سوی رودخانه رسانده بود، دیگر قادر نبودند آنها را بازگردانند. فرمانده نیرو که یک سپاهی بود هنگامی دریا فست تهاجم محورهای دیگر لغو شده که کارا زکار گذشته بود. هنگامی که فرمانده این نیروهای زمین گیر در جزیره تقاضای کمک کرد، جواب به او مستقیم، کوتاه و قاطع بود: "حمله لغو شده، راه برگشتی نیست. سعی کنید پیش از اینکه شهید شوید عراقی های بیشتری را بسه درک بفرستید."

ام الرصاص مدت کوتاهی در دست این نیروی ماء یوس افتاد. ولی قتل عام عراقی ها از این نیرو چندان طولانی نبود. اساساً تهاجم کربلای ۴ چندان طول نکشید. پاسخهای روشنی در دست

شده در صفحه ۸

نتیجه مصیبت با آخرین تهاجم که کربلای ۴ نامگذاری شده بود، بیش از همه حملات موفق و ناموفق پیشین خطیرو گسترده بود. در واقع شکست ناشی از این تهاجم مسائلی را به بار آورده که تا شورش در تصمیمات آتی رژیم خود را نشان خواهد داد. از آنجا که این حمله طلیعه حمله بزرگ و به اصطلاح مسئولان رژیم "سرنوشت ساز" بود رژیم قصد داشت از آن بهره برداریهای سیاسی مختلفی بکند، اکنون باید با عواقب سیاسی آن کنار بیاید. بی تردید نتیجه ای این تهاجم نام کام، تحولی قابل انتظار را در طرز تلقی رژیم آخوندی از نقش سلاحهای مدرن در جنگ پیش خواهد آورد.

تهاجم کربلای ۴ درست در روزی آغاز شد که کنگران همیاری ملت عراق، با شرکت عناصری از مخالفان رژیم مستقر در عراق، در تهران، افتتاح شد. به نظر میرسد هدف آن بود تا نتایج این تهاجم، که رژیم میدوایر بود در قدم اول با فتح جزیره ام الرصاص همراه باشد، کنگران را شدیداً "تحت تا" شتر قرار دهد. در عین حال، ادا مه تهاجم که طبق طرح میبایست از سه محور صورت گیرد و هفته ها بطول انجامد، قرار بود کنگران را عملاً با حرکت جدی و مصممانه جمهوری اسلامی برای تصرف بصره و براندازی صدام حسین روبرو سازد و پشتوانه ای مشخص برای تصمیمات کنگران و قطعنامه نهایی آن باشد. رژیم میدوایر بود نتایج موفقیت آمیز و خیره کننده جنگ، اختلافات میان گروه های مخالف صدام را بر طرف سازد و همه آنها را با دورنمای یک رژیم مورد پسند جمهوری اسلامی موافق سازد. در عمل البته خواستهای مسئولان جمهوری اسلامی غیر از این تعبیر شد، تهاجمی که مقدمه حمله بزرگ و سرنوشت ساز میبایست باشد، در همان قدم اول وساعات اول با شکستی فاحش از نفس افتاد. در عین حال رژیم قصد داشت با این تهاجم هدف دیگری را هم نشان دهد. کنگران سران اسلامی که قرار است در کویت برگزاد شود، میبایست با این حرکت تبلیغاتی ایران کوتاه بیاید و به نیات و مقاصد ایران گردن بندد. از آنجا که شکست سپاه پاسداران و بسیجیها در جزیره ام الرصاص بسیار رجعی بود و نتیجه دلخواه جمهوری اسلامی را به بار نیاورد، مسئولان تصمیم گرفتند که ورق را برگردانند و اساساً "در کار تشکیل این کنگران در کویت اخلاص کنند. با آنکه تا پیش از شکست تهاجم مسئولان چیزی که حاکی از مخالفتشان با تشکیل چنین کنگرانسی در کویت باشد برآز نکرده بودند، حمایت کویت از عراق را بهانه قرار دادند و آنجا را مکان امنی برای تشکیل کنگران سران به حساب نیاوردند. در واقع تلویحاً "به رئیس کنگران، آقای بیرزاده، بسا دآور

شدند که کنگران سران در کویت در تیررس حملات انتقامجویانه آنان قرار خواهد داشت.

در زمینه اصلی، یعنی جنگ نیز تحولات فاحشی را با یس از این تهاجم ناموفق منتظر بود. رژیم که سخت بیمناک از بالا گرفتن تملیلات ضد جنگ در میان مردم و بروز علنی این تملیلات است، برده پوشی در زمینه جنگ را با شدت زیاد رعایت می کند. در بصره حملات گذشته خطی خاص از فرودگاه تا شهر اختصاص به حمل مجروحان و جساد داشت، اکنون با پنهانکاری کوشش میشود که حمل اجساد و کالاهای "ملا" دور از نظر صورت گیرد. حتی در میان سپاه و ارتش نشانه های از بروز اعتراض دیده می شود. انجمنهای کویت که روزی ششم دیماه، در پادگان در سلطنت آباد صورت گرفت و انبیا ره مات سپاه را بکلی منهدم کرد و گفته میشود که بیش از ۳۰۰ نفر تلفات داشت اکنون معلوم شده که تصادفی نبوده است. آتش سوزی مهیبی که متعاقب آن در پادگان عشرت آباد رخ داد حکایت از آن دارد که دستهای در کار بوده تا اعتراض و مخالفت ارتش و سپاه را با ادا مه جنگ گوشزد کنند.

شایع است که هاشمی رفسنجانی کوشیده بوده با امریکا شیفا نزدیک شود تا برای ارتش سلاح بتواند فراهم کند. گرچه هاشمی رفسنجانی امیدوار بود با این کار بتواند محبوبیت و نفوذش را در ارتش بالا ببرد، اکنون آخوندها بسبب این نتیجه رسیده اند که حملات "اصواج انسانی" در برابر آتش کوبنده و موءشر عراقی ها که مجهز و مسلح به اسلحه مدرن هستند کار ساز نیست. از اینها گذشته افزایش تلفات ایرانی ها و بی نتیجه بودن حملات، بیزاری و مخالفت با جنگ را تا دورترین نقاط کشور را زده است. حتی شایع است که در دور جدید مذاکرات ایرانی ها و امریکائی ها در لاهه یکی از در خواستهای جدی ایران اینها در یافت اسلحه در قبال آزادی گروهکهای امریکائی در لبنان بوده است. کسی پنهان نمی کند که احتمالاً یکی از دلایل بی نتیجه بودن این مذاکرات را با بدد عدم موفقیت تهاجم کربلای ۴ جستجو کرد. احتمالاً امریکا شیفا میدوایرند که نیا از ایران به اسلحه را زمینهای برای بازگرداندن "عقل" در کله های مسئولان جمهوری اسلامی قرار دهند.

بهر حال، همچنانکه در عرصه سیاسی اکنون دوی نیروی مخالف در برابر هم جناح بندی کرده اند، در مسئله جنگ نیز دو جناح مخالف در برابر هم صف آرا شده اند: نیرویی که معتقد به تکاء هر چه بیشتر به نقش نیروی انسانی است و فرام کردن اسلحه را در بارهای سبک میداند، و نیرویی که معتقد است با تعدیل در سیاست و پذیرفتن بعضی از تعهدات بقیه در صفحه ۱۱

نامه‌ها و نظرها



حاج تمام ناقصتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و برداشته‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و هم‌راستی با آن مرکز نیست. مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود با ما در مشورت نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اعضای و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عقبت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

استخاره برای استخدام

یکی از تحصیلکرده‌های رشته‌کشا ورزی در دانشگاه‌های اروپائی که قریب تبلیغات گمراه‌کننده رژیم‌ها خورد و برای خدمت راهی ایران شده و پس از زودتی سرگردانی و تحمل مشکلات در کشور دوبا ره بغرب باز گشته است می‌گفت: چند ماهه قبیل در هتلی در یکی از کشورهای اروپائی بیدار فرستادگان رژیم‌ها برای جلب افراد تحصیلکرده ایرانی راهی این دیار شده بودند فرتم. چرب زبانی و تملق آنان آنقدر کج و گمراه هم ساخت که بدون هیچگونه مشورت با دوستان با رفسرستم و با تسهیلاتی که در اختیارم گذاشته شده بود بدون دردسرو ارد کشور شدم. ابتدا از دیدن اوضاع اسفناک و ویران شده کشورم سخت یکه خوردم و تمام آرزوها و خاطراتی که برای خود ساختم و برداشتم بودم نقش بر آب شد. از اینکه پدرم را در خواب دیدم و دیدم او با چه مشقت و در واقع مسکنتی زندگی را می‌گذرانند و منم که در آنجا بودم بخودم گفتم که چرا اینقدر غمگینم و بکارمیتوانم کمکم برای دیگران باشم. دوروز بعد با توصیه‌های دوستان که از گروه اعزامی دریا فید کرده و سفارت جمهوری اسلامی نیز تا فیدیه‌ای بر آن اضافه کرده بود و وزارت کشا ورزی مرا جعه کردم. چندین روز طول کشید که اولیا و وزارتخانه تا زه فهمیدند که چه خواسته‌ام و با بسد به کدام اداره مربوطه مراجعه نمائیم. عاقبت مرا با زمان حفظ نیات حواله دادند که در حقیقت ما چرا از همین اداره آغاز شد.

تصورم این بود بر مبنای آنچه که آخوندها در گفتار و خطبه‌های روزهای جمعه از گرامی‌ها می‌گفتند که تحصیلکرده‌ها دشمن و آرزوی با زگشت آنان را به ایران دارند، لاقلاً بقیه از صفحه ۷

نیست که چرا این نیروها را به زگشتی نداشته‌اند. مجروحان، چون متعلق به یک محور دیگر حمله بوده‌اند و از صحنه جنگ دور بوده‌اند، اطلاع درستی ندارند.

متأسفانه هیچ سیاهی زنده‌یسی از جزیره‌ی مرگ برنگشته تا حقیقت را افشا کند. سپاه پاسداران، در سطوح فرماندهی، به سختی می‌کوشید تا هیچگونه خبری از این تهاجم مرگبار به بیرون درز نکند. بهرحال، آنچه در همان نگاه اول به نظرمی رسید آنست که برغم برنا مهربانی برای یک تهاجم طولانی، این حمله با یک طراحی دقیق جنگی همراه نبوده است. معمولاً وقتی ارتش حمله‌ها را طراحی میکند و آنرا به کمک متخصصان پیاده می‌کنند، امیدموفقیتهای در آن دیده میشود. از جمله این گونه حمله‌ها میتوان حمله به "فاو" را نام برد. آنچه اکنون مسلم است آنست که هم نیروی منتظر در محور آبادان بسیجی بوده‌اند، گرچه مجروحان جنگی چندان اطلاع دقیقی از نیروهای محور شلمچه ندارند، ولی در مورد آنها نیز نمیتوان این حدس را زد که آنها نیز جزو همان سپاهیان صدهزار نفری بوده‌اند. این

بک استخاره چندین هفته سرگردان باقی ماندیم و با راه‌ها بسا راه مراجعه کردم. عاقبت همان شخصیت اول اداره مرا احضار کرد و بدون هیچ شرم و حیائتی گفت: "استخاره بد آمد و است و ما کاری از دستمان ساخته نیست."

پارسی - شهبا زمیر حسینی

درس خطیر

فکر من این است که ایرانیان مخالف رژیم استبداد دینی با دیدن خطیری آموخته باشند. درسی که به آن نیاز داشته‌ایم و حال روزگار و گردش ایام این درس را به سختی و تلخی تمام معرفی کرده است.

ما برای ارسال اسلحه‌های کاسه سفید به جمهوری اسلامی و غنچ ودلای گره‌نیش- به‌کار رزده است. درس بزرگی است که با دیدن بسیاری از خوش خیالان را بیدار کرده باشد. از روزی که ایران به قدرت رسیده است، ایرانیان آوارده دل خوش کرده بودند که این یکی از یکی نیست، مقتدر و تسلیم‌ناپذیر است و از آوند و فنا تیک هم بیزار است.

این امیدوارها خودم مهلک در راه مبارزه‌ای ملی است که هدف برانداختن حکومتی فسادناست. دارد، زیرا وقتی در امر خطیری که آینده وطن به آن وابسته است دل به اجنبی ببندیم، بیدار است که مرد خطر نیستیم و بهانه جویی می‌کنیم تا از وظایف ملی تن بزنیم. امروز، دلیل و جهت بر ما تمام شده است که هیچ دولت خارجی تیمار نخواهد و مصالح ملی ما نیست. جنگ شش ساله ایران و عراق خود به تنهایی حقایق را برای مردم ایران روشن کرده است. دیدیم که چگونه دلان اسلحه و دولت‌ها دست در دست هم برای فروش تجهیزات جنگی همه موانع قانونی و عرفی را زیر پا می‌گذاشتند.

روابط بین‌المللی ریگان با جمهوری اسلامی که در حدود سال پیش آغاز شده است. نکته‌ای مهیمه برای این امر است که برزیدنت امریکا اگرگاه و بیگاه به حال زندانیان ایرانی دل سوزانده و با برای بهائیان ناله سر داده و حکومت خمینی را بریز و وحشی‌ان می‌دهد و آنرا در لیست سیاه دولتی‌های تروریست جای داده، بازی می‌گرد و شعبده در کار می‌آورد. اینک اگر با زهم ایرانی‌ها باشند که منتظر "فرصت مناسب بین المللی" نشسته و با چشمه‌سوی "میز ایران" در وزارت امور خارجه کشورهای بسزرگ دوخته‌ها شنیده‌اند تا نکتت نومییدی گزید

نابودی سپاه محمد رسول الله

نیرو، تنها نیرویی از این سه محور تهاجمی است که دست نخورده باقی مانده است. بهرحال، با آنکه نیرویی که خود را به جزیره‌ی امراس رسانده بود، کاملاً منهدم شده بود، هنوز جنگ یکسره پایا نیافتاده بود. اکنون با اعتراف مجروحان به شیمیائی این نکته را می‌توانیم که کل این تهاجم تنها ۱۲ ساعت بطول انجامیده است. بخش زیادی از این فرصت صرف کوبیدن محور آبادان شد. این نیرو را که قرار بود تک‌پیکان حمله باشد، عراقی‌ها با بمباران‌های هوایی و با بمب‌های شیمیایی از پای در آوردند. کل این نیرو که تقریباً ۹۵ درصد آنها صدمه دیده‌اند، تدبیر ۱۳ تا ۱۵ هزار نفر تخمین زده میشود. اکنون ده‌ها رنفر از آنها در سالن‌های سربو شده‌ی استادیوم آریا مهر که به همین منظور آماده شده است بستری هستند. کسانی را که از گاز

و هیبت کنان برآینده وطن دل سوزاند ما ایرانیان اگر خود را تحمل دشواریها، سختی‌ها و بذل جان و مال، در صفت واحد برنخیزیم و دست به دست بیکدیگر ندهیم این وطن بلا دیده هر روز موضوع معالمت تا زهای فراخوار هدرگرفت و در دوردیخ که استقلال و تمامیت آن نیز به خطر خواهد افتاد. از نویسندگان نشریه وزین قیام ایران، انتظار عاجل داریم که بیمناسبت "ایران گیت" در این مقوله‌ها سخن بدهند که در موقعی باریک و لغزان افتاده‌ایم و خطرا زهرسو، خاک پدرانمان را تهدید می‌کند.

با احترامات
دانا مارک - رضا سخاوند

کشتارگاه جماران

در آخرین روزهای سال ۸۶ یکبار دیگر تما ویردهشتناکی از جنگ فاجعه آفرین جمهوری اسلامی و عراق، صحنه تلویزیون‌های جهان را به خود اختصاص داد. دوپسار از کشته‌پشته‌ها خنده‌ناک. دوبا ره جنازه‌های بی سر، دوبا ره جسد‌های هزارتکه، دوبا ره فوران خون. دوبا ره سفره‌های مین و خمپاره، دوبا ره سینه‌های دریده، شکم‌های ترکیده... دوبا ره بازی تیرپیک و تسلیمت. دوبا ره همان خامنه‌یی مثلاً رئیس جمهوری که عملیات کربلای چهار وعده سرخرمن می‌دهد که: "عملیات وسیع و سرنوشت‌ساز در زمان مناسب صورت خواهد گرفت" مردم جان به لب رسیده، وطن‌انما می‌پرسند که: "برای رسیدن به آن زمان مناسب، چند صدها رکتشسته دیگر با پدیده کشتارگاه جماران سپرد؟"

مریم - فای ایتالیا

دو پیام

آقای ن. ا. ب. خواننده گرامی قیام ایران و مترجم مقاله "نردوشطرنج: خواهمشداست نشانی خود را بسرای ما بفرستید. آقای دکتر محبوب مطالب لازمی دارند که با پدیداری شما بفرستند تا در ترجمه خود مورد استفاده قرار دهید.

هموطن گرامی آقای ناصری - آلمان

در پاسخ نامه مورخه سی ام دسامبر ۱۹۸۶ شما با اطلاع من میرسانید که متأسفانه برای ما تهیه‌های راهی کسری قیام ایران مورد درخواستتان میسر نیست.

ببینند. اکنون در سپاه‌ها له‌حیثیت مطرح شده، و جنگ با عراقی‌ها در مرحله دوم قرار گرفته است. برای کسب حیثیت بر با در فته سپاه‌ها گزیرا است که حمله‌ی دیگری را هر چه زودتر تدارک ببینند. رژیم برای برده‌بوشی این شکست فاحش به همه کاری دست زده. از جمله اجساد که در اینسوی رودخانه‌ها مانده‌اند اکنون شبانه و وسیله‌ها تکرها و کامیون‌های سروصدا به تهران حمل می‌شوند. گرچه هیچگونه رقیمی را نمیتوان به دست آورد که تعیین کننده تعداد تلفات حمله‌ها خیر باشد، اما گفته میشود که فاجعه‌ها تحه‌سپاهیان محمد رسول الله خوانده شده‌است. تخمین‌ها تعداد تلفات را بین سی تا سی و پنجهزار نفر برآورد می‌سازد، اما با احتساب کسانی که از طریق بمب شیمیایی زخمی شده‌اند و مجروحان دیگر این حمله، عملاً رژیم ناگزیر است در فکر جمع‌آوری سپاه دوم محمد رسول الله باشد.



تکیه:

توطئه حجاب اسلامی

بقیه از صفحه ۱

این نامه که به مدرسین حوزه علمیه قسم نسبت داده شده است، در خورتاء مل است؛ نخست از این حیث که مصطفی کمال پاشا، بنیادنگذار ترکیه نوین، هیچ تلاشی نمی کرد که اعتقادات خود را در پرده ای از دروغ یا ریابپوشا ند، آشکارا به موضع خود معترف بود. ولی این قدر بردباری و بلند نظری داشت که در قانن اساسی ترکیه نوین، سر دم را در ادای مراسم دینی خود آزاد نگذازد. آنطور که اگرچه خود تظاهر به دین ندانست، می گفت همه کس باید در مراسم دینی خود آزاد باشد، منتها در چهار چوب معینی تا دین به خدمت هدفها نمی سوا آنگاه با یستف آن است در نیاید. آن تاورک ایمن محدودیت را فقط برای مسلمانان قائل نشد. برای بیرون کلیسا و کشت نیز قائل شد. به همین سبب از نخستین کارهای نمایانی که کرد این بود که سیاه مخصوص خود را نزد نما بند، پاپ در ترکیه فرستاد تا برای اولبای مائند آنچه همه مردم می پوشند بوزد. منظور او این بود که هیچ مقام روحانی بالباسی که پیوستگی او را به دینی بروزی دهد، قدم در خیابان نگذارد. شعرا و این بود که دین، آری اما در چهار چوب مسجد و کشت و کلیسا.

به شکرانه آن تاورک، ترکیه با آن که دارای اکثریتی مسلمان است که به دین خود احترام بسیار می گذارند، در عین حال که از موضع آن تاورک نسبت به دین بی خبر نیستند، احترامی برای وی قائلند که می تواند نما به حسرت رهبران محبوب جهان باشد.

اگر دوشیزگان و زنانی چند، پس از نزدیک به هفتاد سال قانن اساسی لائیک در ترکیه، تازه به یاد آن افتاده اند که باید حجابی بر چهره بگذارند و به اصطلاح در هیات اسلامی در نظر رها شوند، این به هیچ وجه برای اجرای دستورها قرآن و اسلام نیست، برای آن است که در این هیات، ارتجاع و استبداد دینی می خواهد نظا می پیشرفت گرا و دموکراسی طلب را به مبارزه بخواند.

بیک نما بند، مجلس ترکیه در این باره می گوید: "در پس رویدادهای که به بهانه رعایت حجاب اسلامی در ترکیه روی داده است، دست رژیم خمینی را باید دید."

بقیه از صفحه ۱

اگر چه در عرفا ملات پایای بین دو کشور مبادلات اجناس و کالاهای ساخته شده از دو طرف مطرح است ولی در این میان شاید ایران کشور نمونه ای باشد که با به حراج گذاشتن نفت که ماده خام و در زمان قلام طبیعی است رضایت داده و در ازاء تحویل ثروت ملی خود آنهم به کمترین ارزش اجناس و محصولات دیگر کشورها را وارد می کند.

روشن است که علت عمده این طرز عمل کمیود ذخیره رزی در کشور و بحران است که ایران از این جهت از آن رنج میبرد و مهمترین آن عدم اطمینان کشورهای خودداری از پرداخت وام و اعتبار به ایران است که رژیم در نهایت ادبار و تلاش بسیار تا کنون نتوانسته است حتی یک کشور را به دادن وام و اعتبار بازرگان بازرگانی به ایران متقاعد سازد.

افزایش غیر طبیعی و بیش از حد حجم معاملات تها تری برای کشورمان از این جهت نگران کننده شده است که در این نوع داد و ستدهای استثنائی ممالک دریافت کننده نفت بخاطر نیازی که ایران به تولیدات و اقلام صادراتی آنها دارند و سودگران نیز بدستی به این امر آگهاهند، لذا قیمت هر بشکه نفت را خود بدخواه و به نا زل ترین حد ممکن ارزیابی کرده و در عوض بر ارزش کالاهای صادراتی خود که قسمت اعظم آنها را اقلام ته مانده از نیارها و اجناس بنجل تشکیل می دهد بیشترین بها را می دهند. بطوریکه در کلیه این موارد ایران ناچار است بهر سازی که تحویل دهنده کالای نواز در بر قمد و پایایی کند.

کشورهائی که در حال داد و ستد پایایی با ایران هستند با استفاده از نقطه ضعف رژیم حاضر نیستند در معاملات چند میلیار دلاری خود حتی چند ملیون دلار نیز بجای نفت از صنوعات کشورمان را بپذیرند و بهترین نمونه آن اشاره به گفتگوی بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی است که پس از عزمیت به ترکیه (اواخر خرداد ماه ۱۳۶۵) و گفتگوی پیرا مسون مبادلات تها تری ۳ میلیار دلاری با این کشور طی مصاحبه ای که در این مورد با

روزنامه اطلاعات ۱۸ مرداد ماه ۱۳۶۵ بعمل آورد تلویحا "اعتراف کرده که در یک چنین معامله بزرگی موفق نشده است حتی قسمت ناچیزی از این مبلغ را به صنوعات و تولیدات ساخت ایران اختصاص دهد. بطوریکه تنها صدور نفت و بحراج رفتن این ثروت ملی تا این میزان امکان برقراری قرارداد را میسر ساخته است. اصولا بلوک شرق از دیر زمان مبتکر اصلی داد و ستدهای پایایی در جهان بوده و علت عمده آن صرفه جویی در منابع ارزی بشمار می رود توفیق ممالک نامیرده در ابتکار این نوع معاملات بخاطر آنستکه علاوه بر اینکه به مشتریان خود در ازای خرید مواد اولیه ارزان قیمت ارزی پرداخت نمی کنند بلکه با عرضه محصولات و مصنوعات خویش بازار گرمی را هم بدست می آورند که امروزه این طرز کار مورد توجه دیگر کشورهای سرمایه داری نیز قرار گرفته و موجب شده است که آنها هم با اشتها ی بیشتر در برابر ممالک نیا زمین دوفاقد توان اقتصادی چنین رویه ای را پیش گیرند.

طبق نوشته میدل ایست تایمز (۱۶ - ۹ مارس ۱۹۸۵) تنها طی یک سال آنهم در حدی که مفصلا قتمادی این نشریه آقاسی کریس پاول اطلاع داشته است، جمهوری اسلامی با توجه به عواقب وخیم و ناگوار که معاملات تها تری از نوع رژیم آخوندی برای کشور مادر برقرار دادی با کشورهای بسیار مضر رسانیده که در همه موارد آن تنها نفت را بعنوان ودیعه به گرو گذاشته است.

شرکت ولوی سوئی قرارداد دی به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار منعقد کرده قرار داد دیگری با حجم بیشتر در دست گفتگوست. شرکت وست آلین اتریش قرارداد پایایی به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار با جمهوری اسلامی به امضاء رسانیده که در ازاء تحویل ماشین آلات و مصنوعات دیگر معادل

در درون آن نیز نگاهای وقیح، زبیرون زنان را می باید.

اسلام ارتجاعی خمینی، می خواهد در ترکیه نیز کار را از زمان جانی آغاز کند که پیش از انقلاب اسلامی در ایران آغاز کرد. ولی مقامهای ترک خود را در دفاع از زمبانی قانن اساسی خویش قاطع تر از آن نشان داده اند که در برابر این فشارهای اولیه کوتاه بیایند. آنها، از رئیس جمهوری گرفته تا نخست وزیر، به رژیم اسلامی فهمانده اند که از گسترش مناسبات تجاری و اقتصادی نیا بدو عده گسترش ارتجاع در ترکیه را به خود دیده اند.

در ایران نیز سده های پیایی زنان حجاب داشتند، در ترکیه نیز تا این حد کسی مزاحم زنان با حجاب نمی شود و نیا بدید شود. ولی این بازی سیاسی با حجاب معنای دیگری دارد که نمی توان و نیا بدیدر برابر آن کوتاه آمد.

عواقب داد و ستد پایایی

آن نفت ارزان قیمت دریافت می کند. شرکت ایمپانی قرار داد چند ملیون دلاری به همین روال با جمهوری اسلامی منعقد کرده است.

بنا بگزارش دیگر قرار داد پایایی دیگر به ارزش ۲۴۰ میلیون دلار بین شرکت انگلیسی تالبوت که وسائل اتومبیل هیلمن را برای مونتاژ به ایران صادر می کند با امضاء رسیده است.

در همین نشریه آمده است تا کنون بزرگترین داد و ستد پایایی انجام شده به ارزش ۳ میلیارد دلار با ترکیه انجام گرفته است و جالب اینجاست که ظاهرا این داد و ستد موجب شده است از ماردکنندگان خارجی به جستجوی شیوه های بی برای بهره برداری از این ارتباط بپردازند و کالاهای خود را برای عوامل محلی ترکیه بفرستند تا آن مجددا "بر اساس قرارداد منعقد بین خود کالی مزبور را به ایران صادر کنند.

کریس پاول، در میدل ایست تایمز همچنان اضافه می کند که راهی از متخصصین شرکت ملی نفت ایران (بغیر از آخوندی های حاکم بر آن) در مورد داد و ستدهای پایایی آنهم به این فرم نظر خوشی نداشته و چنین داد و ستدهائی را که موجب به هدر رفتن ثروت ملی ایران میشود نوعی بی کفایتی بشمار می آورند. بدیهی است در نمونه های آورده شده انجام معاملات پایایی بمنظور دریافت اسلحه منظور نگردیده است که آن خود جای بحث فراوان دارد.

از سوی دیگر در همین بخش گزارش کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (انکباد) که در سال ۱۹۸۵ انتشار یافت در مورد افزایش حجم تجارت تها تری می نویسد: "قطع منابع مالی خارجی، عدم دسترسی به دریافت وام و اعتبار راست، بالا بودن قیمت ارزها که در داد و ستد بین المللی از

بقیه در صفحه ۱۱

رادیو محلی نهضت و آشننگین
 رادیو ایران - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین
 رادیو ایران - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین
 رادیو ایران - رادیو محلی نهضت و آشننگین - رادیو محلی نهضت و آشننگین

رادیو ایران - امتهای یخس برنانه
 برنا معلول
 ساعت ۶ تا ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه
 رده های ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ تا ۹۵۹۲ کیلوهرتز) و ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه رده های ۳۱ متر (فرکانس ۹۳۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

عواقب دادوستد پایایی

بقیه از صفحه ۱۰

آنها استغاده میشود، تمایل ممالک صنعتی به دسترسی مواد اولیه ارزان قیمت و دیگر عوامل موجب تبالا رفتن دادوستدهای تها تری بین ممالک نیازمند و کشورهای سرمایه داری شده است، به طوری که در سالهای دهه ۱۹۷۰ این رقم جدا کثربه ۵ درصد می رسد و حال آنکه از سالهای ۱۹۸۰ به بعد حجم این معاملات به رقم ۱۷ الی ۲۰ درصد رسیده است . بدیهی است با بالارفتن این نسبت کشورهای سرمایه داری می توانند هر چه بیشتر در صادرات کالاهای خود که در غیر این صورت احتمالاً به علت کمبود ذخایر ارزی ممالک خریدار ممکن بود امکان پذیر نباشد اقدام نمایند و در ازای مواد اولیه را به نرخ های پائین دریافت کنند . البته نا گفته نماند که هزینه سنگین معاملات تها تری به کشورهای که مجبور به صدور مواد اولیه می باشند تا حدیکه از این جهت هم این نوع معاملات با روش معمول تفاوتی فاحش دارد . . .

با توجه به اینکه متجاوزاً از ۲۰ درصد فروش نفت ایران به صورت پایایی به حراج گذاشته میشود و همانطور که گفته شد اصولاً تسول به این نوع معاملات بخواطر کمبود ارز و عدم دسترسی به اخذ موا اعتبارات صورت می گیرد ، این حقیقت را با بسند پذیرفت که رژیم جمهوری اسلامی با به گرو گذاشتن و حراج نفت ایران سالها به سه طور متوسط نزدیک به ۵ میلیارد دلار (نزدیک به یک بیستم فروش کل نفت) از ممالک سرمایه داری و اموا اعتبار بازرگانان دریافت می دارد ، منتهی این دریافت اعتبارات آن چنان وانمود می سازد که بانک مرکزی جمهوری اسلامی مزورانه اعلام میدارد که دولت تا کنون هیچگونه امویا اعتباری از دیگر کشورها دریافت نداشتهاست .

حقیقت را اگر چه آخوندها هیچگاه نخواهند پذیرا باشند ولی این سیاهکارها و دروغ پردازی ها از دید ملت هشیار ایران و صاحب نظران همیشه روشن و نمایان بوده است .

خمینی در برابر

فشار واقعیتها

بقیه از صفحه ۷

بین المللی میتوان این سلاحها را از راه " قانونی " به جنگ آورد . لیسما " شکست تها جم خیر به سود جناحی تمام میشود که تا کید بر مسلح کردن ارتش با سلاحهای مدرن داشته است ، از آنجا که کاهش در آمد ناشی از فروش نفت بسیار جدی است ، توانایی ایران را در فرار هم کردن سلاح از بازارهای سیاه به قیمت های گزاف ناممکن ساخته است . به نظر میرسد چه خمینی بخواهد چه نخواهد موقعیت ها در به سود جناحی تمام می شود که خواهان گرایش رژیم به سمت غرب است . طی هشت سالی که از عمر رژیم می گذرد هیچگاه خمینی به اندازها مروز زیر فشار واقعیتها نبوده است .

دریایی نامن

روزنا مه لیبرا سیون چاپ پارسیس در مقاله ای زیر عنوان " تشدید جنگ دریایی در خلیج فارس " می نویسد :

به گزارش روزنا مه انگلیسی لویدز لیست نشریه بیمه لویدز در سال ۱۹۸۶ بیش از صد کشتی در خلیج فارس بمباران شدند . به این ترتیب ، نیروهای دو کشور درگیر در جنگ در سال ۱۹۸۶ میزان بمبارانهای خود را نسبت به سال ۱۹۸۵ افزایش داده اند . در سال ۱۹۸۵ موا رد بمباران کشتی ها به ۶۱ مورد رسیده بود .

در سال ۱۹۸۶ جمهوری اسلامی علاوه بر موشک های هوا به زمین موشک های زمین به زمین برای غرق کردن کشتی ها بکار برد . عراق نیز با کشیدن دامن عملیات شکار بمباران کشتی های خود تا پای نه لاریک و نزدیکی تنگه هرمز بر وسعت منطقه نامن برای کشتی های بازرگانی افزود .

عراق در اکثر حمله های خود از موشکهای اگزوست و آ-اس-سی استفاده کرده است . این هر دو نوع موشک در شب نیز مانند روز قابل استفاده است و البته پوشیده نیست که هر دو ساخت فرانسه است . لیبرا سیون می افزاید : صنایع فرانسه ، برای رعایت جانب عدالت در راه تسلیح نیروی هوایی جمهوری اسلامی نیز کوشیده است . یعنی تعداد دفرا و نسی موشک هوا به زمین آ-اس-سی . دوازده و نیز زمین های کهنه ای که غالباً " منفسر نمی شود در اختیار ایران نهدا است . ظاهراً " خلیج فارس را برای موشک های امریکایی " ماوریک " که هم سنگین تر و کارآمدتر است و هم برد بیشتری دارد نتیجه بهتری گرفته اند .

بعضی شرکت های کشتی رانی بویژه شرکت های که نفتکشهای رابط بین خارک ، سیری ولارک را به ایران اجاره می دهند ، برای مقابله با خطر بمبارانهای کشتی های خود را به سیستم های حفاظت ضد موشک مجهز کرده اند . هر چند که در کارایی این تجهیزات جای تردید فراوان وجود دارد .

در دوی کشتی های نفتکش از ماه ها پیش برای بهره مند شدن از ماده " سحر-آس " که توسط یک شرکت انگلیسی تهیه می شود و خاصیت دفع ویا دورماندن از حمله موشکها را دارد ، صرف می کشیدند . اما هنگامی که نخستین نفتکش مجهز به این ماده سحر آس و گران قیمت ، در میان خارک و سیری هدف بمباران عراقی ها قرار گرفت ، شرکت انگلیسی بلافاصله اعلام کرد که نفتکش سانه دیده گریه ماده دفعه مزبور مجهز نبود بی شک خسارت بیشتری می دید . البته نا گفته نماند که نفتکش بد قبل دیگر ازجا نچینید و یا زهم نا گفته نماند که موشک دیگری بی هیچ زحمتی بر نفتکش مزبور فرود آمد و بکلگی کارش را ساخت .

رابعه و بکتاش

عشق شورانگیز

قدیم ترین شاعره فارسی زبان

بقیه از صفحه ۶

خویش بهانه ای بگیرد و خون او را بریزد . از سوی دیگر بکتاش هر شعری را که از رابعه می گرفت در صندوقچه ای می گذاشت . روزی رفیق وی که گمان می کرد وی گوهرهای گران بها در آن صندوقچه نهدا سست ، نهانی در آن بگشود و شعرهای رابعه را بیافت و بی درنگ آنها را نزد حارث برد و بدو فروخواند . حارث نیز بی هیچ تحقیق و تعمق بفرمودتا حما می را سخت گرم کردند . آن گاه هرگز زن را گفت تا رگ هردوست او بگشا دو او را به حما مفرستاد . به دستور وی چون رابعه به حما مرفت در حما مرا تیغه کردند .

رابعه در آن حما مفرماند . فریاد بسیار کرد اما سودی نداشت تا چار : سرانگشت در خون میزد آن ماه بسی اشعار خود بنوشته نگاه ز خون خود همه دیوار بنوشت بدرددل بسی اشعار بنوشت چو در گمرا به دیواری نمادش ز خون هم نیز بسیا ری نمادش همه دیوار رجون بر کرد از شاعر فرو افتاد چون یک پا ره دیوار میان خون و عشق و آتش و آتشک بر آمد جان شیرینش بصدرشک چو بگشا دندگرم را به دگر روز چه گویم من که چون بود آن دل افروز چو شاخ زعفران از پای تا فرق ولی از پای تا فرقش بخون غرق بگردند و با بش پاک کردند دلی پر خون بیزیر خاک کردند نگره کردند بر دیوار آن روز نوشته بود این شعر جگر سوز نصیر عشقم این آمد ز درگاه که در دوزخ کنندش زنده ناگاه که تا در دوزخ اسراری که دارد میان سوز آتش چون نگار در توکی دانی که چون با بد نوشتن چنین قصه بخون با بد نوشتن خیر قتل فجیع و جان سپردن دردناک دختر زیبایی لطیف طبع و پاک دامن به بکتاش رسید ، او نیز در فرات معشوق ، مانند تمام مردم شهر گریبان چاک زدویه تلخی گریست ، اما در برابر معشوق برای خود وظیفه ای دیگر نیز حساس می کرد :

به آخرفرمستی می جست بکتاش که تا از زیر چاه آمد ببالاش نهان رفت و سر حارث سحرگاه بیژید و روان شد تا سر راه به خاک دختر آمدجا مه برزد یکی دشمنه گرفت و بر جگر زد از این دنیای فانی رخت برداشت دل از زندان و بنده رخت برداشت نبودش صبری یا ریگانه بدویبوست و گوته شد قسانه به درستی نمی دانیم این داستان ، یا

درخواست اشتراک

بهای اشتراک : یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه -
شش ماه ۱۲۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

این جانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)
نام خانوادگی : Nom
نام : Prénom
آدرس : Adresse :

مایلیم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به من بفرستد .
شماره حساب بانکی نشریه : فرانسه
شماره حساب بانکی نشریه : فرانسه

تاریخ :
شماره حساب بانکی :

QYAM IRAN
C.C.P No: 2400118/E
PARIS

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

تصاندا دارد تقاضای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید . نامها ش که به آدرس حساب بانکی یا بانکی فرستاده شود ، بدست ما نمی رسد .

دست کم خطوط اصلی آن با واقعیت وفق می دهد یا نه . اما ساختن داستان بی بدین شورا انگیزی در قرن پنجم و ششم هجری برای قدیم ترین شاعره فارسی زبان که شعری از او با زمانه است در جای خود بسیا رجا لب توجه است .

* گرگ آشتی : آشتی ظاهری و دروغین ، که در باطن دل های دو طرف برداشتمنی باقی باشد . ظاهراً " از این جهت آن را گرگ آشتی گویند که گرگ برای حمله به طعمه خویش ، هرگاه هتنها باشد و صید را قوی با بدیش می آید و با زمی گردد و چند بار این کار را تکرار می کند تا زمان را برای حمله مسا عدیا بد ، یا صید را غافل کند و بدو حمله آورد .

** سمر : بهد وقتحه = افسانه ، این جا به معنی معروف و مشهور است .

** بشولیدن : برهم زدن ، بریشان و پراکنده کردن .

** منسوبه : یکی از هفت بازی نردو نخستین بازی شطرنج را گویند که سه در بر آن مغلوب شدن در حریف قطعی است .



هم میهنان عزیز !
هر روز تلخ خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد .

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

بقیه از صفحه ۹

نمی توانست برای توده ها جالب و شورانگیز باشد . استراتژی امینی که با زندگی روزمره میلیونها مردم روستاها بستگی داشت در مقابل استراتژی جبهه ملی ... احتمال برد بسیا ر بیشتری داشت " (۷) .

نویسنده چنین نتیجه می گیرد که رهبری جبهه ملی با عدم توجه نسبت به مسئله حیاتی اصلاح راضی اجازه داد تا هیئت حاکمه پیشقدم چنین تحولی بشود . (۸)

۹ - دکتر امینی در تیرماه ۱۳۴۱ استعفا کرد و اوسا لله علم به نخست وزیری منصوب شد و حتی پیش از امینوسی سعی کرد به جبهه ملی نزدیک شود . وی با اللهیار صالح و دونفر دیگر از سران جبهه ملاقات کرد و بطوری که شایع شد پیشنهاد سه بسا وزارت بها عضای جبهه ملی نمود ولی جبهه ملی قبول این پیشنهاد را مشروط بها انجام انتخابات آزاد کرد . علم وعده آزادی انتخابات را داد ولی از نظر عمل او و معلوم گردید که قصد انجام این وعده را ندارد .

مصدق
و نهضت ملی ایران
در کاشک چپ و راست
دانشگاهی که از چشم

- ۱ - کتاب " خاطرات و تاء لمات مصدق " صفحه ۳۹۷
- ۲ - بند ۷ گزارش محرمانه سفیر امریکا مورخ ۶ ژوئن ۱۹۵۳ (۱۶ خرداد ۱۳۳۲) که ترجمه آن در بخش " وضاع و پیش آمدها " که مندرجه سقوت دولت گردید " نقل شد .
- ۳ - Woodhouse P. 131
- ۴ - End of Empire P. 226
- ۵ - همان ما حد ۱۹۲
- ۶ - Richard Cottam : 288
- ۷ - خاطرات سیاسی طلیل ملکی بامنده به قلم کانوزیان صفحه ۱۴۲
- ۸ - همان ما خذ صفحه ۱۴۸

بقیه از صفحه ۱

حکمرانان عموماً " همینطورند. حکومتی که بدستشان می افتد کم در نظر آنها حکم میراث بدی را پیدا می کند و نه فقط حاضر نمی شوند آن را از دست بدهند یا کسی را در مالکیتش سهمین کنند بلکه بعد از مرگشان هم می خواهند از مملکت او و اولادشان خارج نشود. تاریخ بندرت کسی را مثل ژنرال فرانکو دیده است که هر چند مملکت را بزور شمشیر تسخیر کرده بود، بعد از چهل سال اقتدار مطلق، وقتی میخواست بمیرد عوض آنکه حکومت را برای پسرش بگذارد ولیعهد سابق، یعنی همین خوان کارلوس پادشاه کنونی را بر تخت نشاند و گفت من وظیفه خودم را به انجام رساندم. حال موقعی است که سلطنت مشروطه به اسپانیا برگردد و مملکت به جاده دموکراسی بیفتد.

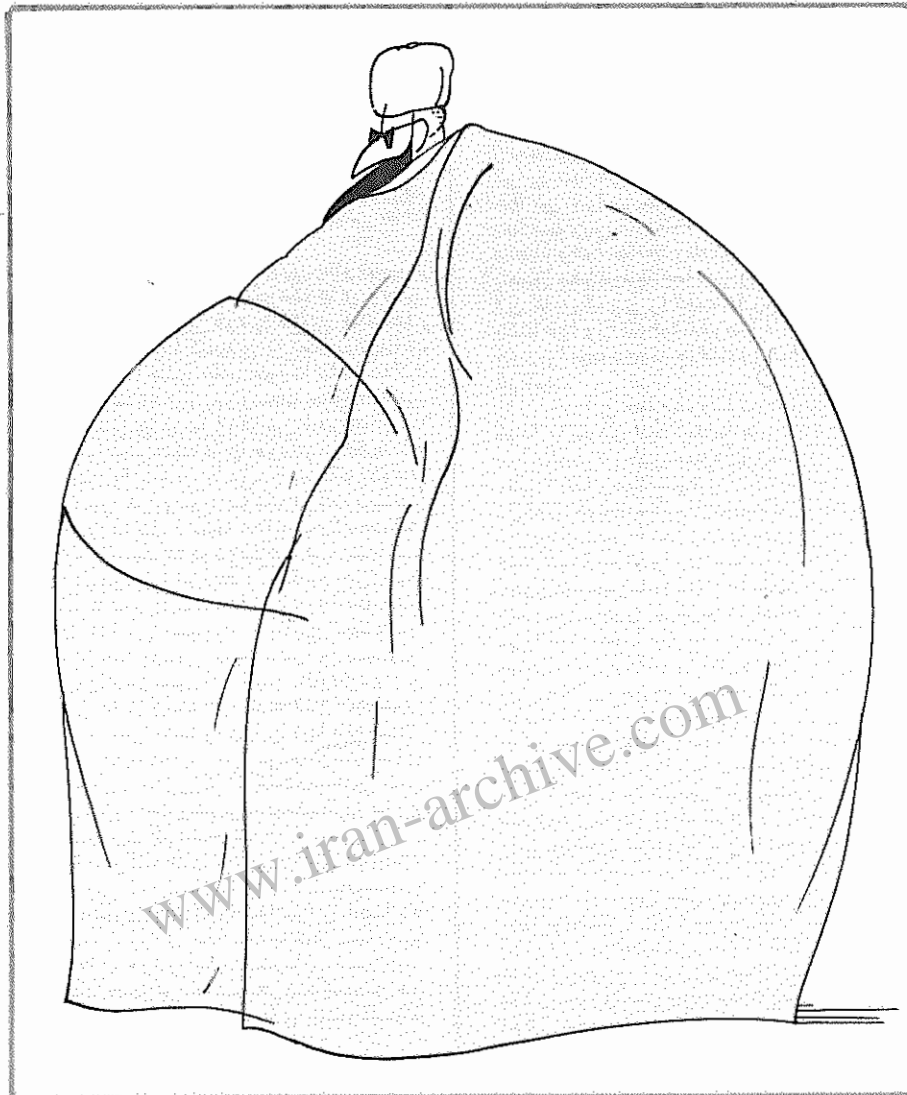
آیت الله خمینی برخلاف ژنرال فرانکو آن وقتی که قدرت را قبضه نکرده بود میگفت ما دنبال حکومت نیستیم، ما طلبه ایم و اگر به ایران بازگشتیم می رویم به قم دنبال طلبگی خودمان. ولی از همان لحظه که دستش به قدرت بند شد نشان داد هدفش از تمام این بازیها رسیدن به حکومت بوده است نه چیز دیگر و حال آنکه حکومت را بدست آورده همه اش را یکجا می خواهد و حاضر نیست به هیچکس سهمی بدهد.

آیت الله خمینی در صورتی که با کودتای روی کار آمده بود همان روز اول به قصر گلستان میرفت و بر تخت مرمری نشست و تاج بر سر می گذاشت و خود را سلطان و پسرش احمد را ولیعهد میخواند. ولی او با موج انقلاب روی کار آمده بود علاوه بر آنکه بیپایان بود. تعلیل بیپایان بود که تعلیل می پوشید برخلاف چکمه پوش ها باید محتاطانه قدم بردارد و حتی وقتی به میال میروند مراقب باشند که داخل شدن با پای راست او حوط است یا با پای چپ. در اوایل انقلاب هر کس چند قدمی در خیابان ها راه میپیمایی کرده و چند بار " مرگ بر شاه " گفته بود خود را در انقلاب ما حبه سهم میدانست. آیت الله نمیتوانست همه آنها را یکمرتبه کنار بزند و بگوید قدرت شریک بر نمی تابد. مجبور بود این مدعیان را بتدریج و گروه گروه بر سر جای شان بنشانند. اولین کاری که کرد این بود که در میان غوغای طرفداران جمهوری دمکراتیک و جمهوری دمکراتیک ملی و انواع دیگر جمهوری، با کمال خونسردی گفت مردم برای اسلام قیام کرده اند و حکومت اسلامی را خواستارند. بنا بر این جمهوری اسلامی وس. نه یک کلمه کمتر، نه یک کلمه بیشتر!

در کلمه " جمهوری " هیچ یک از مدعیان حرفی نداشت. بر کلمه " اسلامی " هم کسی جرات نمی کرد ایراد بگیرد. در نتیجه، رفرا ندوم بمنظور تعیین رژیم جدید همانطور که آیت الله را دیده بود با گزینش " جمهوری اسلامی " به انجام رسید. ترنند بعدی آیت الله خمینی، تشکیل مجلس خبرگان بجای مجلس مؤسسان بود. احزاب و سازمان ها و گروه های مختلف روشنفکران و تحصیل کرده ها که همچنان انقلاب را با وردا شنند پیش خودشان می گفتند بگذارد خمینی دلش به این صفت

والاحضرت اقدس

حاج احمد آقا ولیعهد!



مثل میخ طویله قمی در وسط قانسون اساسی کوبید.

یک نفر قمی خانه بی بفروش گذاشته بود با این شرط که حق کوبیدن یک میخ و استفاده از آن برای محافظ باشد. مشتری رفت خانه را دید و پستید و با خودش اندیشید که از یک میخ آسبسی بخانه نمیرسد. وقتی معالمانجام گرفت فروشنده میخ طویله بی بردیوار خانه کوبید و لانه سگی را از آن آویخت و قرار گذاشت هر روز بیاید و به آن سر بزند. روزهای بعد، تعفن لانه سگ

" اسلامی " در پشت کلمه جمهوری خوش باشد. برای ما چه فرق میکند که رژیم تازه جمهوری اسلامی نامیده شود یا جمهوری دمکراتیک. مهم، قانون اساسی است. ما به مجلس مؤسسان میرویم و یک قانون اساسی دموکراتیک می نویسیم و برای هر مقامی حدود و وظایف تعیین می کنیم. وقتی مملکت دارای رئیس جمهوری و نخست وزیر و دولت و مجلس شد دیگر کسی نمی تواند در مقام بنشیند و خود را صاحب اختیار مطلق تصور کند. خمینی با تشکیل مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان درین مرحله نیز آب پاکی روی دست حریفان ریخت. در مجلس خبرگان اکثریت با آخوندها بود ولی دیگران هم بودند و هنوز استبداد آخوندی به آن صورت شکل نگرفته بود که مجال نفس کشیدن را از همگان سلب کند. در نتیجه، آیت الله خمینی آن گروه را بنام پندگان مجلس خبرگان را که در مدد تدوین قانون اساسی دموکراتیک بودند بحال خودشان گذاشت تا بر سر لفاظ و عبارات بر سر و مغز هم بزنند و خود را دستیار شیخ حسینعلی منتظری و آخوندهای متنفس مرتجع، اصل گذاشتی و ولایت فقیه را

فضای خانه را پر کرد بطوری که زندگی برای خریدار جهنم شد. هیچ کاری هم از دستش بر نمی آمد چون سندی بودن نوشته و شرطی قبول شده. آخرش چاره بی برای او نما ندجز آنکه خانه را در مقابل بهای نا چیزی به مردم قمی بفروشد و خودش را خلاص کند.

اصل ولایت فقیه، برای مابقی اصول قانون اساسی ارزشی باقی نمی گذاشت زیرا بر اساس همان یک اصل بنسبای دیکتاتوری جدید پایه گذاری شد و از شکم انقلاب اسلامی یک " خلیفه " بیرون آمد که قائم مقام خادروزی زمین محسوب میشد و مثل خدای اختیار را تا محسود داشت بی آنکه در مقابل هیچ مقام و مرجعی مسئولیت داشته باشد.

همان وقت که اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان اول به تصویب رسید با زاگر و قتش بود و اوضاع و احوال اجازه میداد آیت الله خمینی در کنار اصل ولایت فقیه، اصل دیگری هم میگذاشت که مقام " ولایت " بنسبای بعد نسل حق اولاد ذکور می خواهد بود ولی آن وقت هنوز آیت الله میخواست و نمود کند که او برای خودش و خانواده اش چیزی نمی خواهد. فقط میخواست هدیه حکومت اسلامی بنا نهاد و سرشته آن را بدست فقها بسپارد.

بعدها، با سیردن نقش قائم مقام موبالخره جانشین مقام رهبری به آیت الله منتظری دیگر برای عموم یقین حاصل شد که آیت الله خمینی اگر چه خودش با ادغام سلطنت و خلافت همان نوع حکومتی را برقرار کرده است که در تاریخ اسلام، معاویه پایه گذاری روم بعد آن بود ولی لا اقل بفرگتاء سبب " سلسله " نیست. حال آنکه اکنون معلوم میشود خمینی هیچ وقت از چنین فکری غافل نبوده است و فقط فرصت مناسبی لازم داشت تا قیام ولایت فقیه را بر قامت آقا زاده ببرد و بدو زد.

از قضا، ولیعهد ما خمینی شبا هت های اخلاقی فراوان به ولیعهد معاویه دارد و هم فاسق و فاجراست، هم تهی مغز و خودخواه و بدبدها و بی رحم.

بیچاره مردم ایران که در آرزوی حکومت علی بودند، حکومت معاویه نصیبشان شد و حالا تازه با ید خودشان را برای دوره یزید آماده کنند!

بقیه از صفحه ۱

ماجرای پنهانی ارسال اسلحه فرانسوی به ایران

تکرانی خود را از این امر با زدا شنند. رئیس سازمان امنیت خارجی فرانسه " خطا " در تاریخ آوریل ۱۹۸۴ رئیس جمهوری فرانسه را از ماجرا آگاه ساخت. به نوشته " اکسپرس " بدون تردید در ژوئن ۱۹۸۴ بلنندیا به ترین مقامات فرانسه از قاچاق اسلحه به جمهوری اسلامی اطلاع داشتند اما اقدامی برای جلوگیری از آن به عمل نیامد و در نتیجه، بر اساس این گزارش مجموعاً " طی سه سال ۴۵۰ هزار گلوله سبک توپ و خمپاره به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار به جمهوری اسلامی فروخته شده است. اکسپرس - ۶: تا ۲۲ ژانویه ۸۷

در آن زمان وزیر دفاع وقت فرانسه نازل هرنو اعلام کرد که از این ماجرا آگاهی نداشته و در ماه مارس سال گذشته شرکت لوسر را تحت بیگردد قانونی قرار داد. به نوشته " اکسپرس " تحقیقات سازمان کنترل کل ارتش فرانسه که از مارس تا ژوئن ۱۹۸۶ طول کشید به این نتایج منتهی گردید: قاچاق اسلحه فرانسوی به جمهوری اسلامی در ژانویه ۱۹۸۳ از سوی سازمان امنیت خارجی فرانسه کشف شد و بلافاصله رهروهای سازمان مذکور در کنگ ۲ ارتش چندین بار مراتب را به وزیر دفاع اطلاع دادند و

نشانی:

QYAM IRAN
C/O G.B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE



ایران هرگز نخواهد مرد